

## قانون تجارت

### باب اول

#### تجار و معاملات تجارتي

ماده 1 - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد.

ماده 2 - معاملات تجارتي از قرار ذیل است :

1 - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

2 - تصدی بحمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

3 - هر قسم عملیات دلالتی یا حق العمل کاری (کمپسیون) و یا عاملي و همچنین تصدی بهر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

4 - تاسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این که برای رفع حوائج شخصی نباشد.

5 - تصدی بعملیات حراجی

6 - تصدی بهر قسم نمایشگاههای عمومی.

7 - هر قسم عملیات صرافى و بانكى

8 - معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

9 - عملیات بیمه بحری و غیر بحری.

10 - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

ماده 3 - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می شود -

1 - کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.

2 - کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود می نماید.

3 - کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می نماید.

4 - کلیه معاملات شرکتهاى تجارتي.

ماده 4 - معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی شود.

ماده 5 - کلیه معاملات تجارتي تجارتي محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتي نیست.

### باب دوم

#### دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي

#### فصل اول دفاتر تجارتي

ماده 6 - هر تاجر به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته

باشد :

1 - دفتر روزنامه.

2 - دفتر کل.

3 - دفتر دارائی.

4 - دفتر کپی.

ماده 7 - دفتر روزنامه دفتری است که تاجرایدهمه روزه مطالبات و دیون و دادستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبیل خرید و فروش و ظهرو نویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتي خود را به هر اسم و رسم می که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کنند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده 8 - دفتر کل دفتری است که تاجراید کلیه معاملات را الاقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده 9 - دفتر دارائی دفتری است که تاجراید هر سال صورت جامع از کلیه دارائی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده 10 - دفتر کپی دفتری است که تاجراید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره - تاجراید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده 11 - دفاتر مذکور در ماده 6 به استثناء دفتر کپی قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شود به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپی امضاء مزبور لازم نیست. ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه با کسور آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده 135 قانون ثبت اسناد است.

ماده 12 - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شماره در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سر بری که وزات عدلیه برای مقصود تهیه می نماید. منگنه کند ، لازم است کلیه اعداد حتمی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده 13 - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفتر نویسی معمول است و در حاشیه و یابین سطور نوشتن ممنوع است و تاجراید تمام آن دفاتر را از ختم هر سال لااقل تا 10 سال نگاه دارد.

ماده 14 - دفاتر مذکور در ماده 6 و سایر دفاتری که تجاری برای امور تجاری خود بکار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشند به تجار ، در امور تجاری سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده 15 - تخلف از ماده 6 و ماده 11 مستلزم دویست تاده هزار ریال جزای نقدی است ، این مجازات را محکمه حقوق راسا و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

## فصل دوم

### دفتر ثبت تجاری

ماده 16 - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تاسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند والا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده 17 - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده 18 - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حساب ها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم می شود.

ماده 19 - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

## باب سوم

### شرکتهای تجاری

#### فصل اول

در اقسام مختلف شرکتهای و قواعد راجعه به آنها

ماده 20 - شرکتهای تجاری بر هفت قسم است :

- 1 - شرکت سهامی.
- 2 - شرکت با مسئولیت محدود.
- 3 - شرکت تضامنی
- 4 - شرکت مختلط غیر سهامی.
- 5 - شرکت مختلط سهامی.
- 6 - شرکت نسبی.
- 7 - شرکت تعاونی تولید و مصرف.

## مبحث اول شرکتهای سهامی بخش 1

تعریف وتشکیل شرکت سهامی

ماده 1 - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست.

ماده 2 - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود و لو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

ماده 3 - در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

ماده 4 - شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود -

نوع اول - شرکتهائی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. اینگونه شرکتهای سهامی عام نامیده می شوند.

نوع دوم - شرکتهائی که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصراتوسط موسسین تامین گردیده است. اینگونه شرکتهای سهامی خاص نامیده می شوند.

تبصره - در شرکتهای سهامی عام عبارت " شرکت سهامی عام " و در شرکتهای سهامی خاص عبارت " شرکت سهامی خاص " باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله بانام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود.

ماده 5 - در موقع تاسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تاسیس بهر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید طرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام بعمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یا بدو گونه هر ذینفع می تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

هرگاه قبل از صدور رای قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

ماده 6 - برای تاسیس شرکتهای سهامی عام موسسین باید اقلابست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تاسیس نزدیکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتهای و در نقاطی که دایره ثبت شرکتهای وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند. تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد موسسین بصورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آنرا در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب

- بازشده است تودیع وگواهی بانك رابه ضمیمه اظهارنامه وضامم آن به مرجع ثبت شرکتهاتسلیم نمایند.
- ماده 7 - اظهارنامه مذکوردر ماده 6 بایدباقیدتاریخ به امضاءکلیه موسسین رسیده وموضوعات زیرمخصوصادرآن ذکرشده باشد.
- 1 - نام شرکت.
  - 2 - هویت کامل واقامتگاه موسسین.
  - 3 - موضوع شرکت.
  - 4 - مبلغ سرمایه شرکت وتعیین مقدارنقدوغيرنقدآن به تفکیک.
  - 5 - تعدادسهام بانام وبی نام ومبلغ اسمی آنهاودرصورتي که سهام ممتاز نیزموردنظرباشدتعیین تعدادوخصوصیات وامتیازات اینگونه سهام.
  - 6 - میزان تعهدهریک از موسسین ومبلغی که پرداخت کرده اندباتعیین شماره حساب ونام بانکی که وجوه پرداختی درآن واریزشده است. درموردآورده غیرنقدتعیین اوصاف ومشخصات وارزش آن بنحوی که بتوان ازکم وکیف آورده غیرنقداطلاع حاصل نمود.
  - 7 - مرکزاصلي شرکت.
  - 8 - مدت شرکت.
- ماده 8 - طرح اساسنامه بایدباقیدتاریخ به امضاءموسسین رسیده ومشتمل برمطالب زیرباشد :
- 1 - نام شرکت.
  - 2 - موضوع شرکت بطورصریح ومنجز.
  - 3 - مدت شرکت.
  - 4 - مرکزاصلي شرکت ومحل شعب آن اگرتاسیس شعبه موردنظرباشد.
  - 5 - مبلغ سرمایه شرکت وتعیین مقدارنقدوغيرنقدآن به تفکیک.
  - 6 - تعدادسهام بی نام وبانام ومبلغ اسمی آنهاودرصورتي که ایجادسهام ممتازموردنظرباشدتعیین تعدادوخصوصیات وامتیازات اینگونه سهام.
  - 7 - تعیین مبلغ پرداخت شده هرسهم ونحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم ومدتي که ظرف آن بایدمطالبه شودکه بهرحال ازپنج سال متجاوزنخواهد بود.
  - 8 - نحوه انتقال سهام بانام.
  - 9 - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی نام وبالعکس.
  - 10 - درصورت پیش بینی امکان صدوراوراق قرضه ، ذکرشرایط وترتیب آن.
  - 11 - شرایط وترتیب افزایش وكاهش سرمایه شرکت.
  - 12 - مواقع وترتیب دعوت مجامع عمومی.
  - 13 - مقررات راجع به حدنصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی وترتیب اداره آنها.
  - 14 - طریقه شوراخذرای اکثریت لازم برای معتبربودن تصمیمات مجامع عمومی.

- 15 - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت ماموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می گردند.
- 16 - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.
- 17 - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.
- 18 - قید اینکه شرکت يك بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت ماموریت بازرس.
- 19 - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.
- 20 - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.
- 21 - نحوه تغییر اساسنامه.
- ماده 9 - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکوره در ماده 6 باید مشتمل بر نکات زیر باشد -
- 1 - نام شرکت.
- 2 - موضوع شرکت و نوع فعالیت هائی که شرکت به منظور آن تشکیل می شود.
- 3 - مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تاسیس شعبه مورد نظر باشد.
- 4 - مدت شرکت.
- 5 - هویت کامل و اقامتگاه و شغل موسسین ، در صورتی که تمام یا بعضی از موسسین در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاری داشته باشند ذکر آن به اختصار.
- 6 - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود.
- 7 - در صورتی که موسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل.
- 8 - تعیین مقداری از سرمایه که موسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده اند.
- 9 - ذکر هزینه هائی که موسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده اند و بر آورد هزینه های لازم تا شروع فعالیت های شرکت.
- 10 - در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه نامه یا موافقت اصولی آن مراجع.
- 11 - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید توسط پذیره نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره نویسی نقداً پرداخت گردد.
- 12 - ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی علاقه می توانند برای پذیره نویسی و پرداخت مبلغی نقدی به بانک مراجعه کنند.

- 13 - تصریح به اینکه اظهارنامه موسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم شده است.
- 14 - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی موسس منحصر در آن منتشر خواهد شد.
- 15 - چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان.
- ماده 10 - مرجع ثبت شرکتهای پس از مطالعه اظهارنامه و ضوابط آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود.
- ماده 11 - اعلامیه پذیره نویسی باید توسط موسسین درج راید آگهی گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می گیرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود.
- ماده 12 - طرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است علاقمندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقد باید پرداخت شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد.
- ماده 13 - ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد.
- 1 - نام و موضوع و مرکز اصلی درآمد شرکت.
  - 2 - سرمایه شرکت.
  - 3 - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی و مرجع صدور آن.
  - 4 - تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می شود و مبلغی اسمی آن و همچنین مبلغی که از بابت نقد در موقع پذیره نویسی باید پرداخت شود.
  - 5 - نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره نویسان باید به آن حساب پرداخت شود.
  - 6 - هویت و نشانی کامل پذیره نویس.
  - 7 - قید اینکه پذیره نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید.
- ماده 14 - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیره نویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک نگاهداری و نسخه دوم با قید رسید و وجه و مهر و امضاء بانک به پذیره نویس تسلیم می شود :
- تبصره - در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاء کننده قید و مدرک سمت از اخذ و ضمیمه خواهد شد.
- ماده 15 - امضاء ورقه تعهد سهم بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام می باشد.
- ماده 16 - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدید شده موسسین حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلاسی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند نمود.

- ماده 17 - مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می شود و پس از رسیدگی احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتبا قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسئولیت های سمت خود عهده دار آن گردیده اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود.
- تبصره - هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این روزنامه بوسیله مجمع عمومی موسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می شود.
- ماده 18 - اساسنامه ای که به تصویب مجمع عمومی موسس رسیده و ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم خواهد شد.
- ماده 19 - در صورتی که شرکت تا ششماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده 6 این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هریک از موسسین یا پذیره نویسان مرجع ثبت شرکتها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال می گردد تا موسسین و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه ای که برای تاسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد بعهده موسسین خواهد بود.
- ماده 20 - برای تاسیس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود.
- 1 - اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.
  - 2 - اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهی نامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام آن تأدیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتاز و وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد.
  - 3 - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.
  - 4 - قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده 17.
  - 5 - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.
- تبصره - سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکتهای



سهامي عام مقرر است در مورد شرکتهای سهامي خاص لازم الرعايه نخواهد بود.

ماده 21 - شرکتهای سهامي خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهاداری توسط بانکها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکتهای سهامي عام بنحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.

ماده 22 - استفاده از جوه تادیه شده بنام شرکت های سهامي در شرف تاسیس ممکن نیست مگر پس از ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده 19.

ماده 23 - موسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که بمنظور تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند مسئولیت تضامنی دارند.

## بخش 2 سهام

ماده 24 - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامي که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامي می باشد و رقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامي است که صاحب آن در شرکت سهامي دارد.

تبصره 1 - سهم ممکن است بانام یابی نام باشد.

تبصره 2 - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت بارعایت مقررات این قانون مزایائی قائل شوند اینگونه سهام ، سهام ممتاز نامیده می شود.

ماده 25 - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لاقبل دونفر که بموجب مقررات اساسنامه تعیین می شوند برسد.

ماده 26 - در رقه سهم نکات زیر باید قید شود -

1 - نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتهای.

2 - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن.

3 - تعیین نوع سهم.

4 - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و اعداد.

5 - تعداد سهامي که هر رقه نماینده آنست.

ماده 27 - تازمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید رقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

ماده 28 - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور رقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.

ماده 29 - در شرکتهای سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

ماده 30 - مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی نام یا گواهینامه موقت بی نام ممنوع است. به تعهدکننده اینگونه سهام گواهینامه موقت بانام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است.

ماده 31 - در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد 25 و 26 باید رعایت شود.

ماده 32 - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.

ماده 33 - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیات مدیره شرکت باید به مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام رابه منظور تقلیل سرمایه شرکت تامیزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تامیزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.

تبصره - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض بعمل آید.

ماده 34 - کسی که تعهد ایتیاغ سهمی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می باشد و در صورتی که قبل از تادیه تمام مبلغ اسمی سهم آن رابه دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.

ماده 35 - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تادیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیرکرد از قرار نرخ رسمی بهره بعلاوه چهار درصد در سال به مبلغ تادیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یکماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تاخیر آن تمام پرداخت نشود شرکت اینگونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق مزایده به فروش خواهد رسانید از حاصل فروش سهم بدوا کلیه هزینه های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می شود.

ماده 36 - در مورد ماده 35 آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط يك نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و يك نسخه از آگهی وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود هرگاه قبل از تاریخی که برای

فروش معین شده است کلیه بدهی های مربوط به سهام اعم از اصل ، خسارات ، هزینه های شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهی نامه موقت سهام قبلی ابطال می شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد.

ماده 37 - دارندگان سهام مذکور در ماده 35 حق حضور و رای در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت را خواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجمع تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. بعلاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند.

ماده 38 - در مورد ماده 37 هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه های شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رای در مجمع عمومی را خواهند داشت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند.

ماده 39 - سهم بی نام بصورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اینگونه سهام به قبض و اقباض بعمل می آید.

گواهی نامه موقت سهام بی نام در حکم سهام بی نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی نام می باشد.

ماده 40 - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند. در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده 41 - در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجمع عمومی صاحبان سهام بشود.

ماده 42 - هر شرکت سهامی می تواند بموجب اساسنامه و همچنین تالموقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد.

امتیازات اینگونه سهام ونحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه يك این گونه سهام انجام گیرد.

بخش 3

تبدیل سهام

ماده 43 - هرگاه شرکت بخواهد بموجب مقررات اساسنامه یا بنابه تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی نام شرکت را به سهام بانام و یا آنکه سهام بانام را به سهام بی نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند.

ماده 44 - در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد سه نوبت هر یک بفاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح سهام خود که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی می گردد.

ماده 45 - سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده 44 برای تبدیل به سهام بانام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده 46 - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده 45 فروخته می شود بدو هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسرو مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره دار سپرده می شود ، در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می شود. پس از انقضای ده سال باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان بخزانة دولت منتقل گردد.

تبصره - در مورد مواد 45 و 46 هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند به ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نام که در دست دارند و وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی نام خود سهام بانام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد.

ماده 47 - برای تبدیل سهام بانام به سهام بی نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد

منتشر و مهلتي که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهام که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام بانام شرکت مراجعه کنند سهام بانام به شرکت مراجعه کنند سهام بانام آنان اخذ و ابطال و سهام بی نام به آنها داده شود.

ماده 48 - پس از تبدیل کلیه سهام بی نام به سهام بانام و یا تبدیل سهام با نام به سهام بی نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلت های مذکور در مواد 44 و 47 شرکت باید مرجع ثبت شرکت ها را از تبدیل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده 49 - دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رای در مجمع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت.

ماده 50 - در مورد تعویض گواهی نامه موقت سهام با اوراق سهام بانام یا بی نام بر طبق مفاد مواد 47 و 49 عمل خواهد شد.

#### بخش 4

#### اوراق قرضه

ماده 51 - شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.

ماده 52 - ورقه قرضه ورقه قابل معامله ایست که معرف مبلغی وام است بابت بهره معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعید معینی باید مسترد گردد برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود.

ماده 53 - دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچگونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می شوند.

ماده 54 - پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی باشد.

ماده 55 - انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترانامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

ماده 56 - هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام می تواند بنابه پیشنهاد هیئت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می تواند به هیئت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند چندی باره انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.

تبصره - در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.

ماده 57 - تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن

باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتابه مرجع ثبت شرکت ها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم راثبت و خلاصه آن راهمراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینة شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود. تبصره - قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است.

ماده 58 - اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد -

- 1 - نام شرکت.
  - 2 - موضوع شرکت.
  - 3 - شماره و تاریخ ثبت شرکت.
  - 4 - مرکز اصلی شرکت.
  - 5 - مدت شرکت.
  - 6 - مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به اینکه کلیه آن پرداخت شده است.
  - 7 - در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و در صورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقدار آن از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است.
  - 8 - در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه موسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.
  - 9 - مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره ای که به قرضه تعلق می گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعدهای مواعید و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل خرید باشد شرایط و ترتیب بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل باز خرید باشد شرایط و ترتیب باز خرید.
  - 10 - تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است.
  - 11 - اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل.
  - 12 - خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.
- ماده 59 - پس از انتشار آگهی مذکور در ماده 57 شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند.
- ماده 60 - ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود -

- 1 - نام شرکت.
  - 2 - شماره و تاریخ ثبت شرکت.
  - 3 - مرکز اصلی شرکت.
  - 4 - مبلغ سرمایه شرکت.
  - 5 - مدت شرکت.
  - 6 - مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه.
  - 7 - تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط باز خرید ورقه قرضه (اگر قابل باز خرید باشد).
  - 8 - تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است.
  - 9 - در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا موسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده اند.
  - 10 - در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل.
- ماده 61 - اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده باید بنابه پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجاره انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلاً برابر با مبلغ قرضه تصویب کند.
- ماده 62 - افزایش سرمایه مذکور در ماده 61 قبل از صدور اوراق قرضه باید بوسیله يك يا چند بانك و یا موسسه مالي معتبر پذیره نویسی شده باشد و قراردادى که در موضوع اینگونه پذیره نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره نویس مبنی بر دادن اینگونه سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن بین شرکت و اینگونه پذیره نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده 61 برسد و گرنه معتبر نخواهد بود.
- تبصره - شورای پول و اعتبار شرایط بانکها و موسسات مالی را که می تواند افزایش سرمایه شرکتها را پذیره نویسی کنند تعیین خواهد نمود.
- ماده 63 - در مورد مواد 61 و 62 حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خود بخود منتفی خواهد بود.
- ماده 64 - شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه با سهام باید در ورقه قرضه قید شود.
- تعویض ورقه قرضه با سهام تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است. دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سر رسید ورقه می تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را با سهام شرکت تعویض کند.
- ماده 65 - از تاریخ تصمیم مجمع عمومی مذکور در ماده 61 تا انقضای موعدها مواعید اوراق قرضه شرکت نمی تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلك سازد یا آنرا از طریق باز خرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که

منتهي به تقليل مبلغ اسمي سهام ويا تقليل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت میدارند می گرد و چنین تلقی می شود که اینگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده اند.

ماده 66 - از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده 61 تا انقضای موعدی موعده اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به سرمایه و بطور کلی دادن سهام و یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آنکه حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند به نسبت سهامی که در نتیجه معاوضه مالک می شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفای نمایند.

ماده 67 - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود بانام بوده و تا انقضای موعدی موعده اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دائره تعویض سهام با اوراق مذکور می باشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد اینگونه سهام تا انقضای موعدی موعده اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق قرضه مزبور بوده و نقل و انتقال اینگونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه موعده قرضه با سهم احراز گردد.

ماده 68 - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود مادام که این تعویض بعمل نیامده است تا انقضای موعدی موعده اوراق قرضه قابل تامین و توقیف نخواهد بود.

ماده 69 - اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می دهد شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیئت مدیره خواهد داد.

ماده 70 - در مورد ماده 69 هیئت مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکوره در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکتها سهام جدید صادر به دارندگان اوراق مذکور معادل باز پرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده اند سهم خواهد داد.

ماده 71 - در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنابه پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد 63 و 64 در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود.



## بخش 5

### مجمع عمومی

ماده 72 - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل میشود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که بموجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.

ماده 73 - مجمع عمومی به ترتیب عبارتند از -

1 - مجمع عمومی موسس.

2 - مجمع عمومی عادی.

3 - مجمع عمومی فوق العاده.

ماده 74 - وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است -

1 - رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم.

2 - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن.

3 - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت.

4 - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای

سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره - گزارش موسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی

موسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه

پذیره - نویسان سهام آماده باشد.

ماده 75 - در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل

نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت

اکثریت مذکور حاصل نشد مجمع عمومی جدید فقط تا دونوبت توسط موسسین

دعوت می شوند مشروط بر اینکه لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی

دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در

اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی

جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن

حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دوثلث

آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم

حاضر نشد موسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می دارند.

تبصره - در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور

دارند و هر سهم دارای یک رای خواهد بود.

ماده 76 - هرگاه یک یا چند نفر از موسسین آورده غیر نقد داشته باشند

موسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی موسس نظر کتبی

کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده های غیر نقد جلب

و آن راجه گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی موسس

بگذارند. در صورتی که موسسین برای خود مزایایی مطالبه کرده

باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع موسس تقدیم شود.

ماده 77 - گزارش مربوط به ارزیابی آورده های غیر نقد و عمل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی موسس مطرح گردد.

دارندگان آورده غیر نقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده اند در موقعی که تقویم آورده غیر نقدی که تعهد کرده اند برای مزایای آنها موضوع رای است حق رای ندارند و آن قسمت از سرمایه غیر نقد که موضوع مذاکره و رای است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد.

ماده 78 - مجمع عمومی نمی تواند آورده های غیر نقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.

ماده 79 - هرگاه آورده غیر نقدی مزایائی که مطالبه شده است تصویب نگردد دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یکماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیر نقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می توانند تعهد غیر نقد خود را به تعهد تبدیل و مبالغ لازم را تادیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده می توانند با انصراف از آن مزایای شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و مطالبه کنندگان مزایا بنظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب می گردد و سایر پذیره نویسان می توانند بجای آنها سهام شرکت را تعهد مبالغ لازم را تادیه کنند.

ماده 80 - در جلسه دوم مجمع عمومی موسس که بر طبق ماده قبل بمنظور رسیدگی به وضع آورده های غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می گردد باید بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.

ماده 81 - در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه کنندگان مزایا و عدم تعهد تادیه سهام آنها از طرف سایر پذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب رابه مرجع ثبت شرکت ها اطلاع دهند تا در مرجع مزبور گواهی نامه مذکور در ماده 19 این قانون را صادر کنند.

ماده 82 - در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده 76 این قانون ضروری است و نمی توان آورده های غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود.

ماده 83 - هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد.

ماده 84 - در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و یا حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت

دوم نتیجه دعوت اول قیدشده باشد.

ماده 85 - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دوسوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

ماده 86 - مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد.

ماده 87 - در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلابیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قیدشده باشد.

ماده 88 - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود رای دهنده می تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آنرا بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند ، اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده 89 - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره و عملکرد سالانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.

تبصره - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

ماده 90 - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.

ماده 91 - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند در اساقدم بدعوت مجمع مزبور بنمایند.

ماده 92 - هیئت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده 93 - در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع عمومی قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم

راتصوب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لاقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلایک سوم اینگونه سهام کافی خواهد بود.

تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آراء معتبر خواهد بود.

ماده 94 - هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.

ماده 95 - سهامدارانی که اقلایک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت مدیره خواستار شوند و هیئت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً دعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت مدیره و بازرسان تصریح نمایند.

ماده 96 - در مورد ماده 95 دستور مجمع منحصر از موضوعی خواهد بود که در تقاضا نامه ذکر شده است و هیئت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.

ماده 97 - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد بعمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نماید. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوتنامه و اطلاعیه های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد.

تبصره - در مواقعی که کلیه سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.

ماده 98 - فاصله بین نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود.

ماده 99 - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورقه و رودبه جلسه رادریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت و اقامتگاه

وتعداد سهام وتعداد آراء هريك از حاضرین قیدوبه امضاء آنان خواهد رسید.  
ماده 100 - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه وتاریخ ومحل تشکیل مجمع باقید ساعت ونشانی کامل باید قید شود.

ماده 101 - مجمع عمومی توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس و یک منشی ودوناطراداره می شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع باریس هیئت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده 102 - در کلیه مجمع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم وهمچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی بشرط ارائه مدارک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است.

ماده 103 - در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجمع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است.

ماده 104 - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیئت رئیسه مجمع باتصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده وتاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند ، تمدید جلسه محتاج به دعوت وآگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت.

ماده 105 - از مذاکرات وتصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه ای توسط منشی ترتیب داده می شود که به امضاء هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.

ماده 106 - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت ها ارسال گردد -

1 - انتخاب مدیران و بازرسان یا بازرسان.

2 - تصویب ترازنامه.

3 - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه.

4 - انحلال شرکت ونحوه تصفیه آن.

بخش 6

هیئت مدیره

ماده 107 - شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده وکلایابغضاقابل عزل می باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده 108 - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند.

ماده 109 - مدت مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد.

ماده 110 - اشخاص حقوقی رامی توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیتهای مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیتهای مدنی و جزائی عضو هیئت مدیره بوده از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت. شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند بشرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتبا به شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می شود.

## بخش 6

### هیئت مدیره

ماده 111 - اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند.

1 - مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.  
2 - کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت. سرقت ، خیانت در امانت ، کلاهبرداری ، جنحه هائی که بموجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است ، اختلاس ، تدلیس ، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.

تبصره - دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

ماده 112 - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضای هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتیکه عضو علی البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علی البدل کافی برای تصدی محل های خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضای هیئت مدیره دعوت نمایند.

ماده 113 - در مورد ماده 112 هرگاه هیئت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلا تصدی مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می باشند.

ماده 114 - مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است

دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که بموجب اساسنامه جهت دادن رای در مجمع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرد یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

ماده 115 - در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یکماه تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه مستعفی محسوب خواهد شد.

ماده 166 - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی می باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب و سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا بهر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

ماده 117 - بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام و وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند.

ماده 118 - جز در باره موضوعاتی که بموجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بموجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده 119 - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت مدیره یک رئیس و یک نائب رئیس که باید مشخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود

تبصره 1 - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که بعنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد.

تبصره 2 - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.

ماده 120 - رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت - مدیره موظف است که مجمع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره

مكلف به دعوت آنها مي باشد دعوت نمايد.

ماده 121 - براي تشكيل جلسات هيئت مديره حضور پيش از نصف اعضا هيئت مديره لازم است. تصميمات بايد به اكثريت آراء حاضرين اتخاذ گردد مگر آنكه در اساسنامه اكثريت بيشتري مقرر شده باشد.

ماده 122 - ترتيب دعوت و تشكيل جلسات هيئت مديره را اساسنامه تعيين خواهد كرد. ولي در هر حال عده اي از مديران كه اقليت سوم اعضا هيئت مديره را تشكيل دهند مي توانند در صورتي كه از تاريخ تشكيل آخرين جلسه هيئت مديره حداقل يك ماه گذشته باشد با ذكر دستور جلسه هيئت مديره را دعوت نمايند.

ماده 123 - براي هريك از جلسات هيئت مديره بايد صورت جلسه اي تنظيم و لاقبل به امضاء اكثريت مديران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هيئت مديره نام مديراني كه حضور دارند يا غايب مي باشند و خلاصه اي از مذاكرات و همچنين تصميمات متخذ در جلسه با قيد تاريخ در آن ذكر مي گردد. هريك از مديران كه باتمام يا بعضي از تصميمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشند نظر او بايد در صورت جلسه قيد شود.

ماده 124 - هيئت مديره بايد اقليت نفر شخص حقيقي را به مديريت عامل شركت برگزيند و حدود اختيارات و مدت تصدي و حق الزحمه او را تعيين كند در صورتي كه مدير عامل عضويت مديره باشد دوره مديريت عامل او از مدت عضويت او در هيئت مديره بيشتري نخواهد بود. مدير عامل شركت نمي تواند در عين حال رئيس هيئت مديره همان شركت باشد مگر با تصويب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومي.

تبصره - هيئت مديره در هر موقع مي تواند مدير عامل را عزل نمايد.

ماده 125 - مدير عامل شركت در حدود اختياراتي كه توسط هيئت مديره به او تفويض شده است نماينده شركت محسوب و از طرف شركت حق امضاء دارد.

ماده 126 - اشخاص مذكور در ماده 111 نمي توانند به مديريت عامل شركت انتخاب شوند و همچنين هيچكس نمي تواند در عين حال مديريت عامل پيش از يك شركت را داشته باشد. تصميمات و اقدامات مدير عاملي كه برخلاف مفاد اين ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئوليت هاي سمت مديريت عامل شامل حال او خواهد شد.

ماده 127 - هر كس برخلاف ماده 126 به مديريت عامل انتخاب شود يا پس از انتخاب مشمول ماده مذكور گردد دادگاه شهرستان به تقاضاي هر ذينفع حكم عزل او را صادر خواهد كرد و چنين حكمي قطعي خواهد بود.

ماده 128 - نام و مشخصات و حدود اختيارات مدير عامل بايد با ارسال نسخه اي از صورت جلسه هيئت مديره به مرجع ثبت شركت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمي آگهي شود.

ماده 129 - اعضا هيئت مديره و مدير عامل شركت و همچنين موسسات و شرکتهائي كه اعضاي هيئت مديره و يا مدير عامل شركت شريك يا عضويت مديره و يا مدير عامل آنها باشند نمي توانند بدون اجازه هيئت مديره در معاملات



که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شونده در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت.

ماده 130 - معاملات مذکور در ماده 129 در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده اند که همگی آنها متضامنا مسئول جبران خسارات وارده معامله به شرکت می باشند.

ماده 131 - در صورتی که معاملات مذکور در ماده 129 این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنهارا تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رای خواهد داد. مدیر یا مدیر عامل ذینفع در معامله حق شرکت در رای نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.

ماده 132 - مدیر عامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند بدون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات بخودی خود باطل است. در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می باشد.

ماده 133 - مدیران و مدیر عامل نمی توانند معاملات نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود

منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تقویت منفعت.  
ماده 134 - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد مجمع عمومی می تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت بعنوان پاداش به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیر موظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

ماده 135 - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی توان بعد از عدم اجرای تشریفات مربوط بطرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.

ماده 136 - در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هر گاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هزینه دعوت می تواند مرجع ثبت شرکت ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

ماده 137 - هیئت مدیره باید لااقل هر شش ماه یکبار خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.

ماده 138 - هیئت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

ماده 139 - هر صاحب سهم می تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت بصورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

ماده 140 - هیئت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را بعنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسریک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد.

ماده 141 - اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رای واقع شود. هر گاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه

وبارعايت مقررات ماده 6 اين قانون سرمايه شركت رابه مبلغ سرمايه موجودكاهش دهد.

درصورتی كه هیئت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی كه دعوت می شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفعی می تواند انحلال شركت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست كند.

ماده 142 - مدیران و مدیرعامل شركت در مقابل شركت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی با اساسنامه شركت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفردا یا مشتركا مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر يك را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.

ماده 143 - درصورتی كه شركت ورشكسته شود یا پس از انحلال معلوم شود كه دارائی شركت برای تادیه دیون آن كافی نیست دادگاه صلاحیتدار می تواند تقاضای هر ذینفع هر يك از مدیران و یا مدیرعاملی را كه ورشكستگی شركت یا كافی نبودن دارائی شركت بنحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفردا یا متضامنا به تادیه آن قسمت از دیونی كه پرداخت آن از دارائی شركت ممكن نیست محكوم نماید.

بخش 7

بازرسان

ماده 144 - مجمع عمومی عادی در هر سال يك یا چند بازرس انتخاب می كند تا بر طبق قانون به وظایف خود عمل كنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است.

مجمع عمومی عادی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل كند به شرط آنكه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.

تبصره - در حوزه هائی كه وزارت اقتصاد اعلام می كند وظایف بازرسی شركتها را در شركتهای سهامی عام اشخاصی می توانند ایفا كنند كه نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شركتها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شركتهای سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشكیلات شغلی بازرسان تابع آئیننامه ای می باشد كه به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

ماده 145 - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شركتهای سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شركتهای سهامی خاص طبق ماده 20 این قانون بعمل خواهد آمد.

ماده 146 - مجمع عمومی عادی باید يك یا چند بازرس علی البدل نیز انتخاب كند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

ماده 147 - اشخاص زیر نمی توانند به سمت بازرسی شركت سهامی انتخاب شوند -

- 1 - اشخاص مذکور در ماده 111 این قانون.
  - 2 - مدیران و مدیرعامل شرکت.
  - 3 - اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم.
  - 4 - هر کس که خود یا همسرش ز اشخاص مذکور در بند 2 موظفان حقوق دریافت می دارد.
- ماده 148 - بازررس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارائی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطوریکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را آگاه سازند.
- ماده 150 - بازررس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده 148 این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.
- تبصره - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته هر یک می توانند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظریں بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.
- ماده 151 - بازررس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان رابه اولین مجمع عمومی گزارش دهند.
- ماده 152 - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازررس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده 147 این قانون بعنوان بازررس تعیین شده اند صورت دارائی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچوجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.
- ماده 153 - در صورتی که مجمع بازررس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان بعللی نتواند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع بازررس یا بازرسان رابه تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازررس بوسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیر قابل شکایت است.

ماده 154 - بازرس یا بازرسان درمقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود.  
ماده 155 - تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.  
ماده 156 - بازرس نمی تواند در معاملات که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.  
بخش 8

تغییرات در سرمایه شرکت

ماده 157 - سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.  
ماده 158 - تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طریق زیر امکان پذیر است -

- 1 - پرداخت مبلغ اسمی به نقد.
  - 2 - تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید.
  - 3 - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت.
  - 4 - تبدیل اوراق قرضه به سهام.
- تبصره 1 - فقط در شرکت سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است.
- تبصره 2 - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.
- ماده 159 - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند.
- ماده 160 - شرکت می تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم بعنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهم فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقدابین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا درازاء آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.
- ماده 161 - مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند.
- تبصره 1 - مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیئت مدیره واگذار خواهد کرد.
- تبصره 2 - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل

باشد گزارش گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت مدیره باشد.

ماده 162 - مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیئت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.

ماده 163 - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

ماده 164 - اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد.

ماده 165 - مادام که سرمایه قبلی شرکت تمام اتادیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.

ماده 166 - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود.

ماده 167 - مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیئت مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود. تبصره - گزارش هیئت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تایید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است.

ماده 168 - در مورد ماده 167 چنانچه سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعض دیگر انجام می گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رای در باره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

ماده 169 - در شرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به اطلاع

صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم نسبت به سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده 170 - در شرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده 169 منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مدت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکز که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده 171 - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد -

1 - نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت.  
2 - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت.  
3 - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن.  
4 - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.

5 - مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند.  
6 - هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره نویسی مقرر شده باشد.  
تبصره - گواهینامه حق خرید سهم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد

ماده 172 - در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد.

ماده 173 - شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده 174 - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده 173 باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -

1 - نام و شماره ثبت شرکت.  
2 - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن.  
3 - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی

شعب آن

- 4 - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.
  - 5 - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
  - 6 - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.
  - 7 - هویت کامل اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت.
  - 8 - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجمع عمومی.
  - 9 - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارائی.
  - 10 - مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم.
  - 11 - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن.
  - 12 - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
  - 13 - مبلغ افزایش سرمایه.
  - 14 - تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده اند.
  - 15 - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیره نویسی.
  - 16 - مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم.
  - 17 - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید تعهد شود.
  - 18 - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
  - 19 - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن نشر می شود.
- ماده 175 - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکتها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید شود.
- ماده 176 - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضامم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهند نمود.
- ماده 177 - اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن نشر می گردد اقل در دو روزنامه کثیرالانتشاری دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن بعمل می آید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیره نویسی باید قید شود که



- آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است.
- ماده 178 - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دوماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد.
- ماده 179 - پذیره نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد -
- 1 - نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت.
  - 2 - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
  - 3 - مبلغ افزایش سرمایه.
  - 4 - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن.
  - 5 - تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می شود و مبلغ اسمی آن.
  - 6 - نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می شود.
  - 7 - هویت و نشانی کامل پذیره نویس.
- ماده 180 - مقررات مواد 14 و 15 این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است.
- ماده 181 - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب راجهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد.
- هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد و حقه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد.
- 182 - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تانه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده 174 به مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسیده درخواست هر یک از پذیره نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه نویسی به آن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه و جوه در آن بعمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می گیرد.
- ماده 183 - برای ثبت افزایش سرمایه شرکتها ی سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود.

- 1 - صورت جلسه مجمع عمومي فوق العاده كه افزايش سرمايه راتصويب نموده ويا اجازه آن رابه هيئت مديره داده است ودرصورت اخيرصورت جلسه هيئت مديره كه افزايش سرمايه راموردتصويب قراردادده است.
- 2 - يك نسخه ازروزنامه اي كه آگهي مذكوردر ماده 196 اين قانون درآن نشرگريده است.
- 3 - اظهارنامه مشعربفروش كلييه سهام جديدو درصورتتي كه سهام جديد امتيازاتي داشته باشدبايده شرح امتيازات وموجبات آن دراظهارنامه قيدشود.
- 4 - درصورتتي كه قسمتي ازافزايش سرمايه بصورت غيرنقدباشدبايد تمام قسمت غيرنقدتحويل گريده وبارعايت ماده 82 اين قانون به تصويب مجمع عمومي فوق العاده رسيده باشد مجمع عمومي فوق العاده دراين موردباحضور صاحبان سهام شركت وپذيره نويسان سهام جديدتشكيل شده ورجايت مقررات مواد 77 لغايت 81 اين قانون درآن قسمت كه به آورده غيرنقدمربوط مي شود الزامي خواهدبوديك نسخه ازصورت جلسه مجمع عمومي فوق العاده بايد اظهارنامه مذكوردراين ماده ضميمه شود.
- تبصره - اظهارنامه هاي مذكوردراين ماده بايدبه امضاءكلييه اعضاء هيئت مديره رسيده باشد.
- ماده 184 - وجوهي كه به حساب افزايش سرمايه تاديه مي شودبايددر حساب سپرده مخصوصي نگاهداري شودتامين وتوقيف وانتقال وجوه مزبوربه حساب هاي شركت ممكن نيست مگرپس ازبه ثبت رسيدن افزايش سرمايه شركت. ماده 185 - درصورتتي كه مجمع عمومي فوق العاده صاحبان سهام افزايش سرمايه شركت راازطريق تبديل مطالبات نقدي حال شده اشخاص از شركت تصويب کرده باشدسهام جديدي كه درنتيجه اينگونه افزايش سرمايه صادر خواهدشدبامضاءورقه خريدسهام توسط طلبكاراني كه مايل به پذيره نويسي سهام جديدباشندانجام مي گيرد.
- ماده 186 - درورقه خريدسهام مذكوردر ماده 185 نكات مندرج دربندهاي 1و2و3و5و7و8 ماده 179 بايدقيدشود.
- ماده 187 - درمورد ماده 185 پس ازانجام پذيره نويسي بايددرموقع به ثبت رسانيدن افزايش سرمايه درمرجع ثبت شركتهاصورت كاملي ازمطالبات نقدي حال شده ، بستانكاران پذيره نويس راكه به سهام شركت تبديل شده است به ضميمه رونوشت اسنادومدارك حاكي ازتصفيه آنگونه مطالبات كه بازرسان شركت صحت آن راتايبكرده باشندهمراه باصورت جلسه مجمع عمومي فوق العاده واطهارنامه هيئت مديره مشعربراينكه كلييه اين سهام خريداري شده وبهاي آن دريافت شده است به مرجع ثبت شركتها تسليم شود.
- ماده 188 - درموردي كه افزايش سرمايه ازطريق بالابردن مبلغ اسمي سهام موجودصورت مي گيردكلييه افزايش سرمايه بايدنقدپرداخت شودونيزسهام جديدي كه درقبال افزايش سرمايه صادرمي شودهنگام پذيره نويسي برحسب مورد كلاپرداخت ياتهاثرشود.
- ماده 189 - علاوه برکاهش اجباري سرمايه مذكوردر ماده 141 مجمع عمومي

فوق العاده شرکت می تواند به پیشنهاد هیئت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت بطور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده 5 این قانون کمتر نگردد.

تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت میگیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و در مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می گیرد.

ماده 190 - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد.

پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارش درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده 191 - بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیئت مدیره را مورد رسیدگی قرارداد و نظر خود را طی گزارش به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهند نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت.

ماده 192 - هیئت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند.

ماده 193 - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و بایستکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده 192 باشد می توانند ظرف دوماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند.

ماده 194 - در صورتی که بنظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تامین پرداخت طلب معترض وثیقه ای که بنظر دادگاه کافی باشد نسپارد در این صورت آن دین حال شده و دادگاه به پرداخت آن خواهد داد.

ماده 195 - در مهلت دوماه مذکور در ماده 193 و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است.

ماده 196 - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه ای به اطلاع کلیه صاحبان سهام برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بانام توسط پست سفارشی ارسال گردد.

- ماده 197 - اطلاعاتیه مذکوردر ماده 196 بایدمشتمل برنکات زیرباشد -
- 1 - نام ونشانی مرکزاصلي شرکت.
  - 2 - مبلغ سرمایه شرکت قبل ازاتخاذتصميم درموردکاهش سرمایه.
  - 3 - مبلغی که هرسهم به آن میزان کاهش می یابدیابهای اسمی هرسهم پس از کاهش.
  - 4 - نحوه پرداخت ومهلتي که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هرسهم درنظرگرفته شده ومحلي که درآن این بازپرداخت انجام می گیرد.
- ماده 198 - خریدسهم شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.
- بخش 9  
انحلال وتصفيه
- ماده 199 - شرکت سهامی درمواردزیرمنحل می شود -
- 1 - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.
  - 2 - درصورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده وآن مدت منقضي شده باشدمگراینکه مدت قبل ازانقضاءتمدیدشده باشد.
  - 3 - درصورت ورشکستگی.
  - 4 - درهرموقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام بهرعلتي رای به انحلال شرکت بدهد.
  - 5 - درصورت صدورحکم قطعی دادگاه.
- ماده 200 - انحلال شرکت درصورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.
- 1 - درصورتی که تایکسال پس ازبه ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشدونیزدرصورتی که فعالیتهاي شرکت درمدت بیش ازیکسال متوقف شده باشد.
  - 2 - درصورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب های هریک از سالهای مالی تاده ماه ازتاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد 3 - درصورتی که سمت تمام یابعضی ازاعضای هیئت مدیره وهمچنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدتي زائدبرششماه بلامتصدي مانده باشد.
  - 4 - درموردبندهای يك و دو ماده 199 درصورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشودویارای به انحلال شرکت ندهد. ماده 202 - درموردبندهای يك و دوو سه ماده 201 دادگاه بلافاصله بر حسب موردبه مراجعی که طبق اساسنامه واین قانون صلاحیت اقدام دارندمهلت متناسبی که حداکثرآز ششماه تجاوزنکندمی دهدتادرفرع موجبات انحلال اقدام نمایند.
  - درصورتی که ظرف مهلت مقررموجبات انحلال رفع نشوددادگاه حکم به انحلال شرکت می دهد.
- ماده 203 - تصفیه امور شرکتهای سهامی بارعایت مقررات این قانون انجام

می گیرد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می باشد.

ماده 204 - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده ای که رای به انحلال می دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده 205 - در صورتی که بهر علت مدیریت تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیریت تصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می گیرد مدیریت تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.

ماده 206 - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت "در حال تصفیه" ذکر شود و نام مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید گردد.

ماده 207 - نشانی مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه بموجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.

ماده 208 - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده 209 - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده 207 این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه های کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است.

ماده 210 - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلا اثر است.

ماده 211 - از تاریخ تعیین مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده دار شوند.

ماده 212 - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم راجع به امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داور و حق سازش دارایی باشند و می توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است.

ماده 213 - انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیران

تصفیه ویابه اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقال که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.

ماده 214 - مدت ماموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان ماموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت ماموریت خود را خواستار شوند.

ماده 215 - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت ماموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده 214 با دادگاه خواهد بود.

ماده 216 - مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می باشند.

ماده 217 - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت کرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند

ماده 218 - در صورتی که بموجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه يك یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.

ماده 219 - در مدت تصفیه دعوت مجمع عمومی در کلیه موارد بعهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده 220 - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

ماده 221 - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حدنصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد منتشر شود.

ماده 222 - در مواردی که بموجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می باشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دومرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل

نگردد و باینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده 217 این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند.

ماده 223 - آن قسمت از دارائی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعود تادیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده 224 - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تادیه کلیه دین دارائی شرکت بدوایه مصرف باز پرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

ماده 225 - تقسیم دارائی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع به تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاسه مرتبه و هر مرتبه به فاصله يك ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شده و لااقل ششماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده 226 - تخلف از ماده 225 مدیران تصفیه را مسئول خسارت بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده اند.

ماده 227 - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجاری حذف گردد.

ماده 228 - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضای دهسال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقیمانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده 229 - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا دهسال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد.

ماده 230 - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی

مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیریت تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیریت تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیریت تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیریت تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیریت تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده 209 این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است.

ماده 231 - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیریت تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر مدیریت تصفیه منحصر بعهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیریت تصفیه در صورتی که مدیریت تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیریت تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیریت تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش 10

حسابهای شرکت

ماده 232 - هیئت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلاب است روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود.

ماده 233 - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکار رفته است رعایت شود، با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به روش شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیئت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.

ماده 234 - در ترازنامه باید استهلاك اموال و اندوخته های لازم در نظر گرفته شود و لو آنکه پس از وضع استهلاك و اندوخته ها سود قابل تقسیم باقی



نماندیا کافی نباشد.

پائین آمدن ارزش دارائی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی خواه بعزل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارائی و زیانها و هزینه های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده 235 - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید قبل از مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.

ماده 236 - هزینه های تاسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلك شود. هزینه های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که اینگونه هزینه ها بعمل آمد مستهلك شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه های افزایش سرمایه را می توان از محل این اضافه ارزش مستهلك نمود.

ماده 237 - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارتست از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه ها و استهلاکات و ذخیره ها.

ماده 238 - از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل يك بیستم آن بر طبق ماده 140 بعنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

ماده 239 - سود قابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکوره در ماده 238 و سایر اندوخته های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

ماده 240 - مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می تواند تصمیم بگیرد که مبلغی از اندوخته هائی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید تصریح آید که مبلغ مورد نظر از کدام يك از اندوخته ها باید برداشت و تقسیم گردد.

هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود و ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

ماده 241 - با رعایت شرایط مقرر در ماده 134 نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیئت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکتها سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود در شرکتها سهامی خاص از ده

درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود تجاوز کند. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلااثر است.

ماده 242 - در شرکت های سهامی عام هیئت مدیره مکلف است که به حساب های سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حساب های شرکت گواهی نمایند کلیه دفاتر و اسناد و صورت حساب های شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حساب های سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیئت مدیره وضع مالی شرکت را بنحوی صحیح و روشن نشان می دهد.

تبصره - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند سال 1345 می باشد و در صورتی که بموجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.

بخش 11

مقررات جزائی

ماده 243 - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به رد و مجازات محکوم خواهند شد.  
1 - هر کس که عالماً و برخلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقدی تقلب اعمال کند.

2 - هر کس در ورقه سهم بانام یا گواهی نامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.

3 - هر کس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند بعضی یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد.

4 - هر کس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند.

5 - هر کس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تادیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیر نقدی صادر کند.

6 - هر کس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی نام یا گواهی نامه موقت بی نام صادر کند.

ماده 244 - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا به رد و مجازات محکوم خواهند شد -

1 - هر کس عالماً سهام یا گواهی نامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

- 2 - هرکس سهام بي نام راقبل ازآنکه تمام مبلغ اسمي آن پرداخت شده باشد بفروشد يابه معرض فروش گذارد.
- 3 - هرکس سهام بانام راقبل ازآنکه اقلاسي و پنج درصد مبلغ اسمي آن پرداخت شده باشد صادر کند يابفروشد يابه معرض فروش گذارد.
- ماده 245 - هرکس عالمادرهريك از عمليات مذکور در ماده 244 شرکت کند يانجام آن عمليات را تسهيل نمايد بر حسب مورد به مجازات شريك يا معاون محکوم خواهد شد.
- ماده 246 - رئيس و اعضاء هيئت مديره هر شرکت سهامي در صورت ارتکاب هريك از جرائم زير به حبس تاديبی از دوماه تا ششماه يابه جزاي نقدي از سي هزار تا سيصد هزار ريال يابهر دو مجازات محکوم خواهند شد.
- 1 - در صورتی که ظرف مهلت مقرر در اين قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمي سهام شرکت را مطالبه نکنند و يادوماه قبل از پايان مهلت مذکور مجمع فوق العاده راجهت تقليل سرمايه شرکت تا ميزان مبلغ پرداخت شده دعوت نمايند.
- 2 - در صورتی که قبل از پرداخت کليه سرمايه شرکت بصور اوراق قرضه مبادرت کرده يا صدور آن را اجازه دهند.
- ماده 247 - در مورد بنديک ماده 246 در صورتی که هريك از اعضاء هيئت مديره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هيئت مزبور صريحا اعلام کند که بايد تکليف قانوني براي سلب مسئوليت جزائي عمل نشود و به اين اعلام از طرف ساير اعضاء هيئت مديره توجه نشود و جرم تحقق پيدا کند عضو هيئت مديره که تکليف قانوني را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد سلب مسئوليت جزائي از عضو هيئت مديره منوط به اين است که عضو هيئت مديره علاوه بر اعلام تکليف قانوني در جلسه هيئت مزبور مراتب را از طريق ارسال اظهارنامه رسمي به هريك از اعضاء هيئت مديره اعلام نمايد. در صورتی که جلسات هيئت مديره بهر علت تشكيل نگردد اعلام از طريق ارسال اظهارنامه رسمي براي سلب مسئوليت جزائي از عضو هيئت مديره کافي است.
- ماده 248 - هرکس اعلاميه پذيره نويسي سهام يا اطلاعيه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامي را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی موسسين يا مديران شرکت منتشر کند به جزاي نقدي از ده هزار تا سي هزار ريال محکوم خواهد شد.
- ماده 249 - هرکس با سوء نيت براي تشويق مردم به تعهد خريد اوراق بهادار شرکت سهامي به صدور اعلاميه پذيره نويسي سهام يا اطلاعيه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست يا ناقص باشد مبادرت نمايد و ياز روی سوء نيت جهت تهيه اعلاميه يا اطلاعيه مزبور اطلاعات نادرست يا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر اين اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبرداری بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.
- ماده 250 - رئيس و اعضاء هيئت مديره هر شرکت سهامي عام که قبل از تاديه کليه سرمايه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاريخ ثبت

شرکت و تصویب دوترازانامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایندگی جزای نقدی از بیست هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده 251 - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده 56 این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایندگی جزای نقدی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده 252 - رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده 60 این قانون را در اوراق قرضه قید نمایندگی جزای نقدی بیست هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده 253 - اشخاص زیر به حبس تا دویست روز یا به پرداخت جزای نقدی از بیست هزار تا بیست هزار ریال یا به پرداخت مجازات محکوم خواهند شد.

1 - هر کس عامد مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی صاحبان سهم بشود.

2 - هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آنکه اینکار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.

ماده 254 - رئیس و اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا 6 ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده 232 را بموقع تنظیم و تسلیم نمایندگی جزای نقدی از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا بیست هزار ریال یا به پرداخت مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 255 - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده 99 تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تا بیست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده 256 - هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده 105 را تنظیم نکند به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.

ماده 257 - رئیس و اعضای هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رای صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده 255 محکوم خواهند شد.

ماده 258 - اشخاص زیر به حبس تا دویست روز یا به پرداخت مجازات محکوم خواهند شد :

1 - رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارائی و ترازانامه یا به استناد صورت دارائی و ترازانامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند.

2 - رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که ترازانامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشد.

3 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند.

4 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که با سوءنیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا بخاطر شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می باشند استفاده کنند.

ماده 259 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره شرکت که متعمدا مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایند و یا بازرسان شرکت را به مجمع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 260 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل که عامد مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 261 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد. و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت بصدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده 262 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

1 - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام رانسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند.

2 - در صورتی که شرکت قبلا اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان اینگونه اوراق قرضه رانسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر گرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت

مبلغ آنها سرمایه شرکت رامستهلك سازندیان را از طریق باز خرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند

ماده 263 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالمای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا بهره و مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 264 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالمای مقررات زیرارعايت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد -

1 - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام.

2 - در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرسی شرکت تسلیم نشده باشد.

3 - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرائط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی نشده باشد.

ماده 265 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر ارزشیانی وارد شده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رای واقع شود و حداکثر تا یکماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال یا بهره و مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 266 - هر کس با وجود منع قانونی عالمای سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد به آن عمل کننده به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا بهره و مجازات محکوم خواهد شد.

ماده 267 - هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالمای راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده 268 - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالمای مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهره و مجازات محکوم خواهند شد -

1 - در صورتی که ظرف یکماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.

2 - در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می داند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

- 3 - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش بینی شده است دعوت نکرده صورت دارایی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند.
- 4 - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.
- 5 - در صورتی که ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتهای اعلام نمایند.
- 6 - در صورتی که پس از اعلام ختم به تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع ننماید و در صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.
- ماده 269 - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد -
- 1 - در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند.
- 2 - در صورتی که برخلاف ماده 213 به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.
- بخش 12
- مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی
- ماده 270 - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هریک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا برخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن موسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.
- ماده 271 - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت با بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد.
- ماده 272 - دادگاهی که دعوی بطلان نزد آن اقامه شده است می تواند بنا به درخواست مهلتی که از ششماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد.

ماده 274 - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می نماید باید ضمن حکم خود يك يا چند نفر را بعنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند.

ماده 275 - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می نماید.

تبصره - تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین می شود بعهده دادگاه است.

ماده 276 - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل يك پنجم مجموع سهام شرکت باشد می تواند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا مدیرعامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند.

در صورت محکومیت رئیس یا هر يك از اعضاء هیئت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم بنفع شرکت اجراء و هزینه ای که از طرف اقامه کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد.

ماده 277 - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید بنحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.

ماده 278 - شرکت سهامی خاص در صورتی می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت گذشته و دوترازانامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

ماده 279 - شرکت سهامی خاص باید ظرف یکماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کند.

1 - اساسنامه که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است.

2 - دوترازانامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده 278 که به تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

3 - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای که



- متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
- 4 - اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -
- الف - نام و شماره ثبت شرکت.
- ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن.
- ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن
- د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن.
- ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.
- و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.
- ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت.
- ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجمع عمومی.
- ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.
- ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
- ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد.
- ماده 280 - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده 279 و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت راثبت و مراتب رابه هزینه شرکت آگهی خواهند نمود.
- ماده 281 - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دوترانامه و حساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیرمنقول آن در مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می‌باشند آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد اقلادریک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.
- ماده 282 - شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می‌آید با رعایت مواد 173 لغایت 182 و ماده 184 این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکت‌ها در این مورد پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیره - نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه نویسی سهام را صادر خواهد نمود. در اعلامیه پذیره نویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مزبور قید گردد.

ماده 283 - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماماتادیه نشود شرکت نمی تواند به شرکت سهامی تبدیل گردد.

ماده 284 - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف سه سال از تاریخ اجرای این قانون بصورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را بمقررات این قانون تطبیق دهند یا بنوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه 1311 تبدیل شوند و الا منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت 1311 خواهند بود.

تا هنگامیکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف سه سال وضع خود را بمقررات این قانون تطبیق نداده اند تابع مقررات مربوط به شرکتهای سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت 1311 و مقررات اساسنامه خود خواهند بود.

تطبیق وضع شرکت بمقررات این قانون وقتی محقق می شود که مرجع ثبت شرکتهای پس از احراز صحت تطبیق مراتب راثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچگونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می شود.

ماده 258 - تغییر اساسنامه هر یک از شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به منظور تطبیق وضع آنها بمقررات این قانون استثنائاً ممکن است بموجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل و حد نصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق العاده به منظور تطبیق وضع شرکت بمقررات این قانون تابع مقررات تجارت مصوب اردیبهشت 1311 در مورد شرکتهای سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکتهای موجود در تاریخ تصویب این قانون می باشد.

ماده 286 - برای آنکه شرکتهای سهامی مورد در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی خاص درآیند باید اولاً سرمایه آنها حداقل به میزاني باشد که برای شرکتهای سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهند ثانیاً اساسنامه خود را به منظور تطبیق بمقررات این قانون اصلاح کرده مراتب را به مرجع ثبت شرکتهای اعلام نمایند. مرجع ثبت شرکتهای پس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت بمقررات این قانون مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده 287 - برای آنکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی عام درآیند باید اولاً سرمایه آنها به میزاني باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی عام

به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً در تاریخ تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام یکسال از ثبت شرکت گذشته و یک ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ثالثاً اساسنامه خود را با مقررات این قانون وفق دهند.

ماده 288 - در صورتی که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود با مقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتی که تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تادیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت به هر سهم در مورد سهام جدید نیز لازم الرعایه است و در هر حال این نسبت نمی تواند از سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در این ماده رعایت ماده 165 این قانون در مورد تادیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست.

ماده 289 - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند از طریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نمایند.

در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تماماً تعهد نشود و مبلغی که باید بر طبق مقررات این قانون تادیه گردد تادیه نشود شرکت نمی تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده 290 - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند و به این منظور به افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند.

1 - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است.

2 - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.

3 - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای. صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

4 - طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید که باید به ترتیب مقرر در ماده 174 این قانون تنظیم شده باشد.

5 - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده 291 - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده 292 - کلیه مقررات مذکور در مواد 177 لغایت 181 این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهام عام لازم الرعایه است، در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد.

- ماده 293 - در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه برطبق ماده 182 این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده 284 وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد.
- ماده 294 - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کنند.
- 1 - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است.
  - 2 - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای که باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
  - 4 - اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که باید به امضاء دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -
  - 5 - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.
- ماده 291 - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.
- الف - نام و شماره ثبت شرکت.
  - ب - موضوع شرکت و نوع فعالیتهاى آن.
  - ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن
  - د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن.
  - ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.
  - و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.
  - ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت.
  - ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجمع عمومی.
  - ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.
  - ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
  - ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد.
- ماده 295 - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.
- ماده 296 - در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون

ب شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می گردد اقلادریک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده 297 - در مواردی که برای تطبیق وضع یک شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت 1311 دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتها لازم باشد و رئیس و اعضاء هیئت مدیره توجه نشود عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسئولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت. سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیئت مدیره منوط به اینست که عضو هیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مدیره مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیئت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیئت مدیره به رعایت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیئت مدیره کافی است.

ماده 299 - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت 1311 مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری می باشد نسبت به آن شرکتهای قوت خود باقی است.

ماده 300 - شرکتهای دولتی تابع قوانین تاسیس و اساسنامه خود می باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می شوند.

لایحه قانونی فوق مشتمل بر سیصد ماده و 28 تبصره در تاریخ روز شنبه بیست و چهارم اسفند ماه یک هزار و سیصد و چهل و هفت به استناد قانون اجازه اجرای موقت لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب 1343/9/19 به تصویب کمیسیون خاص مشترک مجلسین رسیده است.

رئیس مجلس شورای ملی رئیس مجلس سنا  
عبدالله ریاضی جعفر شریف امامی

مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود  
ماده 94 - شرکت با مسئولیت محدود شرکتهای است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تامیزان سرمایه خود در شرکت

- مسئول قروض و تعهدات شرکت است.
- ماده 95 - در اسم شرکت باید عبارت (بامسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.
- اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچیک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.
- ماده 96 - شرکت بامسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم شرکت غیر نقدی نیز تقدیم و تسلیم شده باشد.
- ماده 97 - در شرکت نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم شرکتی های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.
- ماده 98 - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم شرکتی های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.
- ماده 99 - مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.
- ماده 100 - هر شرکت بامسئولیت محدود که برخلاف مواد 96 و 97 تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.
- ماده 101 - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکائی که بطلان مستند به عمل آنهاست و هیئت نظار و مدیرهائی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن به سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب خواهند بود.
- ماده 102 - سهم شرکتی که شرکاء نمی توانند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم و یا بی اسم و غیره در آید سهم شرکتی را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لا اقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.
- ماده 103 - انتقال سهم شرکتی بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمی.
- ماده 104 - شرکت بامسئولیت محدود بوسیله يك یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدود معین می شوند اداره می گردد.
- ماده 105 - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.
- ماده 106 - تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لا اقل نصف سرمایه

اتخاذ شود ، اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجددا دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد ، اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده 107 - هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده 108 - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبوره نسبت سرمایه شرکاء بعمل خواهد آمد.

ماده 109 - هر شرکت بامسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده و هیئت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد. هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد 96 و 97 رعایت شده است. هیئت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید.

مقررات مواد 165 و 167 و 168 و 170 در مورد شرکت های بامسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده 110 - شرکاء نمی توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

ماده 111 - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده 112 - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی تواند شریکی را مجبوره از دیاد سهم شرکت خود کند.

ماده 113 - مفاد ماده 78 این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های بامسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

ماده 114 - شرکت بامسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود -

الف - در مورد فقرات 1 و 2 و 3 ماده 93

ب - در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم شرکت آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج - در صورتی که بواسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلائل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د - در مورد فوت یکی از شرکاء اگر بموجب اساسنامه پیش بینی شده باشد

ماده 115 - اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند -

الف - موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم شرکت نقدی و تقویم و تسلیم سهم شرکت غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

- ب - کسانی که به وسایل متقلبانه سهم شرکت غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.
- ج - مدیرانی که بانبودن صورت دارائی یابه استناد صورت دارائی مزورمنافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.
- مبحث سوم - شرکت تضامنی
- ماده 116 - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجارتي بین دو یا چند نفر بامسئولیت تضامنی تشکیل می شود - اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر يك از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.
- قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص کان لم یکن خواهد بود.
- ماده 117 - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت ( شرکت تضامنی ) و لا اقل اسم يك نفر از شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریك یا شرکائی که ذکر شده است عبارتی از قبیل ( و شرکاء ) یا ( و برادران ) قید شود.
- ماده 118 - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم شرکت غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.
- ماده 119 - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم شرکت بین شرکاء تقسیم می شود مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.
- ماده 120 - در شرکت تضامنی شرکاء باید لا اقل يك نفر از میان خود یا از خارج بسمت مدیری معین نمایند.
- ماده 121 - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده 51 مقرر شده.
- ماده 122 - در شرکتهای تضامنی اگر سهم شرکتی یا چند نفر غیرنقدی باشد باید سهم شرکت مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکاء تقویم شود.
- ماده 123 - در شرکت تضامنی هیچیک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.
- ماده 124 - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می تواند برای وصول مطالبات خود به هر يك از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند ، در هر حال هیچیک از شرکاء نمی توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد.
- فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر يك از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنها در صورتی که در شرکت - نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.
- ماده 125 - هر کس بعنوان شریك ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل



از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هرقراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده 126 - هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده هیچیک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارائی نخواهد داشت. اگر دارائی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

ماده 127 - به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می توان حکم داد مشروط به اینکه دارائی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده 128 - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده 129 - طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارائی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد بعمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل ششماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می توانند مادام که حکم نهائی انحلال صادر نشده با تادیه طلب دائین مزبور تا حد دارائی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان بطریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده 130 - نه مدیون شرکت می تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کندنه خود شریک می تواند در مقابل قرضی طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید. معذک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده 131 - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء بموجب ماده 129 انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکاء می توانند سهمی آن شریک را از دارائی شرکت نقد تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده 132 - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشریکه شرکاء کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.

ماده 133 - جز در مورد فوق هیچیک از شرکاء را شرکت نمی تواند تکمیل سرمایه که بعلت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید

بیش از آنچه که در شرکت نامه مقرر شده است به شریک سرمایه دهد.

ماده 134 - هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء (بحساب شخص خود یا بحساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و بعنوان شریک ضامن یا شریک بامسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده 135 - هر شرکت تضامنی می تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.

ماده 136 - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود -

الف - در مورد فقرات 1 و 2 و 3 ماده 93.

ب - در صورت تراضی تمام شرکاء

ج در صورتی که یکی از شرکاء به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته حکم به انحلال بدهد.

د - در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده 137.

ه - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده 138.

و - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد 139 و 140.

تبصره - در مورد بند "ج" هرگاه دلائل انحلال منحصر مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه می تواند به تقاضای سایر شرکاء بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

ماده 137 - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرائی باشد تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتبا به شرکاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود و فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه بعمل می آید.

ماده 138 - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می گیرد که مدیر تصفیه کتباتاً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده 139 - در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود.

اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتبا اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یکماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده 140 - در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

## مبحث چهارم

### در شرکت مختلط غیرسهامی

- ماده 141 - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امورتجارتی در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بردارائی شرکت پیدا شود شریک بامسئولیت محدود کسی است که مسئولیت اوفقط تامیزان سرمایه ایست که در شرکت گذارده وی بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت ( شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.
- ماده 142 - روابط بین شرکاء بارعایت مقررات ذیل تابع شرکت نامه خواهد بود.
- ماده 143 - هر یک از شرکاء بامسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هرقراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.
- ماده 144 - اداره شرکت مختلط غیرسهامی بعهد شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرراست.
- ماده 145 - شریک بامسئولیت محدود نه بعنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارنده اداره امور شرکت ازوظایف او است.
- ماده 146 - اگر شریک بامسئولیت محدود معامله ای برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می دهد.
- ماده 147 - هر شریک بامسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و می تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هرقراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.
- ماده 148 - هیچ شریک بامسئولیت محدود نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند.
- ماده 149 - اگر یک یا چند نفر از شرکاء بامسئولیت محدود حق خود را در شریک بدون اجازه سایرین کلایا بعضابه شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت.
- ماده 150 - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیرسهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک بامسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند.
- ماده 151 - شریک ضامن را وقتی می توان شخص برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

ماده 152 - هرگاه شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم شرکت خود را نپسندیده و یا پس از تادیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از باب سهم شرکت باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک با مسئولیت محدود اقدام دعوی نمایند.

اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت.  
ماده 153 - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاء ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت با مسئولیت محدود از سهم شرکت خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه بعمل آمده است تادیه همان سرمایه اولیه شریک با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده 154 - به شریک با مسئولیت محدود فرع نمی توان داد مگر در صورتی موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم شرکت شریک با مسئولیت محدود کسر شده مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر ربح یا منفعتی به او ممنوع است.

هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تادیه گردید شریک با مسئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت است مگر در موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده 155 - هر کس بعنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم شرکت خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده 156 - اگر شرکت مختلط غیر سهامی ورشکست شود دارائی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند ، سهم شرکت شرکاء با مسئولیت محدود نیز جزو دارائی شرکت نیز محسوب است.

ماده 157 - اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارائی شخصی تمام یا هر یک از شرکاء ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده 158 - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء با مسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود.

ماده 159 - مقررات مواد 129 و 130 در شرکتهای مختلط غیر سهامی نیز لازم الرعایه است.

ماده 160 - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است.  
ماده 161 - مقررات مواد 136 ، 137 ، 138 ، 139 ، 140 در مورد شرکتهای مختلط غیر سهامی نیز جاری است.  
مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی شود.

مبحث پنجم

شرکت مختلط سهامی

ماده 162 - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عدد شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود.

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه درآمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بردارائی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

ماده 163 - در اسم شرکت باید عبارت ( شرکت مختلط) و لاقول اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده 164 - مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است.

ماده 165 - در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیئت لاقول مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار می شود و این هیئت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند ، انتخاب هیئت بر حسب شرائط مقرر در اساسنامه شرکت

تجدید می شود و در هر صورت اولین هیئت نظار برای یکسال انتخاب خواهد شد.  
ماده 166 - اولین هیئت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد 28 ، 29 ، 38 ، 41 ، 50 این قانون رعایت شده است.

ماده 167 - اعضاء هیئت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام ماموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می باشند.

ماده 168 - اعضاء هیئت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده همه ساله راپرتی به مجمع عمومی می دهند و هرگاه در تنظیم صورت دارائی بی ترتیبی و خطائی مشاهده نمایند در راپرت مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلائل خود را بیان می کنند.

ماده 169 - هیئت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رای مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده 181 شرکت را منحل کند.

ماده 170 - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارائی و راپورت هیئت نظار اطلاع حاصل کند.

ماده 171 - ورشکستگی هیچیک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده 138.

ماده 172 - حکم مواد 124 و 134 در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است.

ماده 173 - هرگاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را نپردازند و یا به مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می کند.

ماده 174 - اگر شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شده هر یک از طلبکاران شرکت می تواند بهر یک از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نمایند مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچیک از شرکاء سهامی ندارند.

ماده 175 - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارائی شرکت ندارد.

ماده 176 - مفاد مواد 28 ، 29 ، 38 ، 39 ، 41 ، 50 شامل شرکت مختلط سهامی است.

ماده 177 - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد 28 ، 29 ، 39 ، 50 تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمی توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده 178 - هرگاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده 101 رفتار خواهد شد.

ماده 179 - مفاد مواد 84 ، 85 ، 86 ، 87 این قانون در شرکتهای مختلط نیز بایدرعایت شود.

ماده 180 - مفاد مواد 89 ، 90 ، 91 ، و 92 این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم الرعایه است.

ماده 181 - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می شود -

(الف) در مورد فقرات 1 ، 2 ، 3 ماده 93 (ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد (ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن (د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر این که انحلال شرکت در این مورد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده 72 جاری است.

ماده 182 - هرگاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل را موجه به بیند.

مبحث ششم

شرکت نسبی

ماده 183 - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته.

ماده 184 - در اسم شرکت نسبی عبارت ( شرکت نسبی ) و لاقلاً اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرکائی که ذکر شده عبارتی از قبل "شرکاء" و "برادران" ضروری است.

ماده 185 - دستور ماده 118 ، 119 ، 120 ، 121 ، 122 ، 123 در مورد شرکت نسبی برای تادیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تادیه قروض شرکت است.

ماده 187 - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می توانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند.

ماده 188 - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده 189 - مفاد ماده 126 (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد 127 و 136 در شرکتهای نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم

شرکتهای تعاونی تولید و مصرف

ماده 190 - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده از ارباب حرف تشکیل می شود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس بکار می برند.

ماده 191 - اگر در شرکت تولیدی تعداد شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لاقلاً دو ثلث اعضاء اداره کننده شرکت باید از شرکائی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است.

ماده 192 - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل

می شود -

- 1 - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکاء ایجاد کرده یا خریده باشند.
  - 2 - تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت خرید هر یک از آنها.
- ماده 193 - شرکت تعاونی اعم از تولیدی یا مصرفی ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا برطبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد 32 و 33 لازم الرعایه است.
- ماده 194 - در صورتی که شرکت تعاونی تولیدی یا مصرفی مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچیک از شرکاء نمی توانند در مجمع عمومی بیش از یک رای داشته باشد.

#### فصل دوم

- در مقررات راجعه به ثبت شرکتهای و نشر شرکتنامه ها
- ماده 195 - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتهای است.
- ماده 196 - اسناد و نوشتهجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود.
- ماده 197 - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.
- ماده 198 - اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شده هیچیک از شرکاء نمی توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده اند عذر قرار دهند.
- ماده 199 - هرگاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد 195 ، 197 بایده قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.
- ماده 200 - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرری انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می گیرد) و تعیین کیفیت تفریح حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد 195 و 197 لازم الرعایه است.
- همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده 79 این قانون اتخاذ می شود رعایت خواهد شد.
- ماده 201 - در هرگونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که بطور خطی یا چاپی از طرف شرکت های مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود شرکت متخلف به جزای نقدی از دو بیست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد.
- تبصره - شرکتهای خارجی نیز که بوسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به



تجارت دارند در مورد اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران  
مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

#### فصل سوم

#### در تصفیه امور شرکتهای

- ماده 202 - تصفیه امور شرکتهای پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود  
مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوطه به ورشکستگی است.
- ماده 203 - در شرکتهای تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی امر  
تصفیه بامدییریا مدیران شرکت است مگر آنکه شرکاء ضامن اشخاص دیگری  
را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند.
- ماده 204 - اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای  
تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاء ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت  
اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.
- ماده 205 - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین  
شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.
- ماده 206 - در شرکتهای مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکاء غیر ضامن  
حق دارندیک یا چند نفر برای نظارت در امور تصفیه معین نمایند.
- ماده 207 - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن بکارهای جاری و اجرای  
تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد  
208 - 209 - 210 - 211 - 212.
- ماده 208 - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود  
متصدیان تصفیه انجام خواهند داد.
- ماده 209 - متصدیان تصفیه حق دارند مشخصایا به توسط وکیل از طرف شرکت  
محاكمه کنند.
- ماده 210 - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکاء ضامن  
به او اجازه داده باشند ، مواردی که به حکم [قانون حکمت](#) اجباری است از این  
قانون مستثنی است.
- ماده 211 - آن قسمت از دارائی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست  
بطور موقت بین شرکاء تقسیم می شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل  
قروضی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که  
در حساب بین شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.
- ماده 212 - متصدیان تصفیه حساب شرکاء را نسبت به هم و سهم هر یک از  
شرکاء را از نفع و ضرر معین می کنند ، رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت  
رجوع می شود.
- ماده 213 - در شرکتهای سهامی و شرکتهای بامسئولیت محدود و شرکتهای  
تعاونی امر تصفیه بعهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت  
مجمع عمومی شرکت به ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.
- ماده 214 - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای  
بامسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده 207 مقرر شده باین

تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتها(به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.

ماده 215 - تقسیم دارائی شرکتهاى مذکور در ماده فوق بین شرکاء خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آنکه قبلا سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یکسال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده 216 - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسئول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده اند.

ماده 217 - دفاتر هر شرکتی که منحل شده بانظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تاده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده 218 - هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد 207 - 208 - 209 - 210 - 215 - 216 - 217 و قسمت اخیر ماده 211 باشد.

#### فصل چهارم

#### مقررات مختلفه

ماده 219 - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکاء یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکاء یا وراث آنها را مسئول قرار داده) پنج سال است.

مبدء مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد.

در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده.

تبصره - دعوائی که سنخاتابع مرور زمان کوتاهتری بوده یا بموجب این قانون مرور زمان طولانی تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثی است.

ماده 220 - هر شرکت ایرانی که فعلا وجود داشته یا در آتی تشکیل شود یا اشتغال به امور تجارتي خود را بصورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرامی گردد هر شرکت تجارتي ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه 1310 مکلف به ثبت است باید کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی و چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دو بیست تا دوهزار ریال خواهد شد ، این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتهای برای عدم ثبت مقرر شده.

ماده 221 - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها بطریق قرعه بایده تادیه شود و قبل از تادیه قیمت آن سهام یا اوراق منافع که به آنها تعلق گرفته

پرداخته شده باشد شرکت درموقع تادیه اصل قیمت نمی تواند منافع تادیه شده را استرداد نماید.

ماده 222 - هر شرکت تجارتي می تواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تادیه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می توان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتاً معین می شود. کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است. (باب چهارم)

برات - فته طلب - چک

فصل اول - برات

مبحث اول صورت برات

ماده 223 - برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد -

1 - قید کلمه (برات) در روی ورقه.

2 - تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)

3 - اسم شخصی که باید برات را تادیه کند.

4 - تعیین مبلغ برات.

5 - تاریخ تادیه وجه برات.

6 - مکان تادیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر.

7 - اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرده و پرداخته می شود.

8 - تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.

ماده 224 - برات ممکن است بحواله کرد شخص دیگر باشد یا بحواله کرد خود برات دهنده.

ماده 225 - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود. اگر مبلغ بیش از یکدفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر منطابق اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

ماده 226 - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات 2

- 3 - 4 - 5 - 6 - 7 - 8 ماده 223 نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات

تجارتي نخواهد بود.

ماده 227 - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم

در قبول و نکول

ماده 228 - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود.

در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد.

اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات رویت حساب می شود.

- ماده 229 - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.
- اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود.
- ماده 230 - قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تادیه نماید.
- ماده 231 - قبول کننده حق نکول ندارد.
- ماده 232 - ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.
- ماده 233 - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی معذراً قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.
- ماده 234 - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تادیه شود تصریح به مکان تادیه ضروری است.
- ماده 235 - برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف 24 ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.
- ماده 236 - نکول برات باید بموجب تصدیق نامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد تصدیق نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول.
- ماده 237 - پس از اعتراض نکول ظهر نویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تادیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تادیه نمایند.
- ماده 238 - اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تادیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.
- مبحث سوم
- در قبولی شخص ثالث
- ماده 239 - هرگاه براتی نکول شد و اعتراض بعمل آمد شخص ثالثی می تواند آنرا بنام برات دهنده یا یکی از ظهر نویسها قبول کند قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شده و به امضاء او برسد.
- ماده 240 - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تادیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهر نویسها حاصل می شود محفوظ خواهد بود.
- مبحث چهارم
- در وعده برات
- ماده 241 - برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت برات ، یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات ممکن است پرداخت به روز معینی موکول شده باشد.

ماده 242 - هرگاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.  
ماده 243 - موعده پرداخت براتی که یک یا چند روزی یا چند ماه از رویت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراض نامه نکول معین می شود.  
ماده 244 - اگر موعده پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد از تعطیل تادیه شود.

تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم

ظهنویسی

ماده 245 - انتقال برات به وسیله ظهنویسی بعمل می آید.  
ماده 246 - ظهنویسی باید به امضاء ظهنویس برسد ممکن است در ظهنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده می شود قید گردد.  
ماده 247 - ظهنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.  
ماده 248 - هرگاه ظهنویس در ظهنویسی تاریخ مقدماتی قید کند مزور شناخته می شود.

مبحث ششم

مسئولیت

ماده 249 - برات دهنده کسی که برات را قبول کرده و ظهنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.  
دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفر دایا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمع رجوع نماید.  
همین حق را هر یک از ظهنویسها نسبت به برات دهنده و ظهنویسهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست ، اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

ماده 250 - هر یک از مسئولین تادیه برات می تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید پردازد موکول کند.

ماده 251 - هرگاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می تواند هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید مدیر تصفیه هیچیک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی

که مجموع وجوهی که از دارایی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد بایده ترتیب تاریخ تعهدتامیزان وجهی که هر کدام پرداخته اند جزء دارایی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفی نیز که برای پرداخت يك دين مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم

#### در پرداخت

ماده 252 - پرداخت برات بانوع پولی که در آن معین شده بعمل می آید.

ماده 253 - اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تادیه اعتراض شود دارنده برات می تواند دهنده برات یا انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.

ماده 254 - برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود.

ماده 255 - روز رویت در برواتی که به وعده از رویت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده 256 - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تادیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارنده مسئول است.

ماده 257 - اگر دارنده برات به کسی که قبول نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرویس های ماقبل خود برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده اند حق رجوع نخواهد داشت.

ماده 258 - شخصی که در سر وعده وجه برات را می پردازد بری الذمه محسوب می شود مگر آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.

ماده 259 - پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ ، به عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه بموجب این نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است.

ماده 260 - شخصی که وجه برات را بر حسب نسخه پردازد که در روی آن قبولی نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبولی شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است.

ماده 261 - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند.

ماده 262 - اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه های دیگر فقط بموجب امر محکمه پس از دادن ضامن بعمل می آید.

ماده 263 - اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از

اثبات اینکه برات متعلق به او است می تواند با دادن ضامن تادیه وجه آن را بموجب امر محکمه مطالبه کند.

ماده 264 - اگر با وجود تقاضای که در مورد مواد 261 و 262 و 263 بعمل آمده است از تادیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراضنامه محفوظ بدارد.

ماده 265 - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعید و ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراضنامه معین شده است به برات دهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد

ماده 266 - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید.

ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویسی باید اختیار وجوه به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد ، مخارج این اقدامات بر عهده برات مفقود خواهد بود.

ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تادیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده 267 - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد 262 و 263) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمانت سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده 268 - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات - دهنده و ظهرنویسها بری می شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند.

ماده 269 - محاکم نمی تواند بدون رضایت صاحب برات برای تادیه وجه برات مهلتی بدهند.

مبحث هشتم

تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث

ماده 270 - هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یاد ذیل آن قید شود.

ماده 271 - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.

ماده 272 - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهند پرداخت تمام ظهرنویسها بری الذمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها بعمل آید ظهرنویس های بعد از او بری الذمه اند.

ماده 273 - اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کسی پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری الذمه می کند اگر خود محال علیه پس

از اعتراض برای تادیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

میحث نهم

حقوق ووظایف دارنده برات

ماده 274 - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رویت یابه وعده از رویت تادیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات دهنده که وجه برات رابه محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده 275 - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارج برای تقاضای قبولی مدت بیشتری یا کمتری مقرر شده باشد حق دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و برات دهنده که وجه برات رابه محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده 276 - اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرنویس نمی تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

ماده 277 - هرگاه دارنده برات به رویت یابه وعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارج تادیه شود در مواد مقرر در مواد فوق. قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق اوساقت خواهد شد.

ماده 278 - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات - دهنده و ظهرنویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده 279 - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده 280 - امتناع از تادیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته ای که اعتراض عدم تادیه نامیده می شود معلوم گردد.

ماده 281 - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن بعمل خواهد آمد.

ماده 282 - نه فوت محال علیه و نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تادیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده 283 - در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است.

ماده 284 - دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است باید در

ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تادیه رابه وسیله اظهارنامه رسمی یا

مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات رابه او واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده 285 - هر یک از ظهرنویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه فوق آن رابه همان وسیله به ظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده 286 - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تادیه شود و بعلت عدم

پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده 249 برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. (اصلاحی

.(58/10/26)



تبصره - هرگاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هرشش فرسخ يك روز اضافه خواهد شد.  
ماده 287 - در مورد برواتی که باید در خارجه تادیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهرنویسهای مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید بعمل آید. (58/10/26)

ماده 288 - هر يك از ظهرنویسها خواهد از حقی که در ماده 249 به او داده شده استفاده نماید باید مواعیدی که به موجب مواد 286 و 287 مقرر است اقامه دعوی کند نسبت به او و موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تادیه نماید از فردای روز تادیه محسوب خواهد شد.

ماده 289 - پس از انقضاء مواعید مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویسها و همچنین دعوی هر يك از ظهرنویسها برید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده 290 - پس از انقضاء مواعید فوق دعوی دارنده و ظهرنویسهای برات بر علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی شود مشروط بر اینکه برات دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال علیه رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهد داشت.

ماده 291 - اگر پس از انقضای مواعیدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراض - نامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات دهنده یا هر يك از ظهرنویسها به طریق محاسبه یا عنوان دیگر وجهی را که برای تادیه برات به محال علیه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید

مبحث دهم

در اعتراض (پروتست)

ماده 293 - اعتراض در موارد ذیل بعمل می آید -

1 - در مورد نکول.

2 - در مورد امتناع از قبول یا نکول.

3 - در مورد عدم تادیه.

اعتراض نامه باید در يك نسخه تنظیم و بموجب امر محکمه بدایت به توسط مامور اجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود -

1 - محال علیه.

2 - اشخاصی که در برات برای تادیه و جد عند الاقتضاء معین شده اند.

3 - شخص ثالثی که برات را قبول کرده است.

اگر در محلی که اعتراض بعمل می آید محکمه بدایت نباشد وظایف او یا رعایت ترتیب بعهد امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.

ماده 294 - اعتراض نامه باید مراتب ذیل را دارا باشد -

1 - سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و غیره.

2 - امر به تادیه وجه برات.

مامور اجراء بايد حضور يا غياب شخصي كه بايد وجه برات رابدهد و علل امتناع از تاديه يا از قبول وهمچنين علل عدم امكان امضاء يا امتناع از امضاء را در ذيل اعتراضنامه قيد و امضاء كند.

ماده 295 - هيچ نوشته اي نمي تواند از طرف دارنده برات جاي گير اعتراضنامه شود مگر در مواد مندرجه در مواد 261 - 262 - 263 راجع به مفقود شدن برات.  
ماده 296 - مامور اجراء بايد سواد صحيح اعتراضنامه رابه محل اقامت اشخاص مذكور در ماده 293 بدهد.

ماده 297 - دفتر محكمه يا دفتر مقاماتي كه وظيفه محكمه را انجام مي دهند بايد مفاد اعتراضنامه را روزه روزه ترتيب تاريخ و نمره در دفتر مخصوصي كه صفحات آن به توسط رئيس محكمه يا قائم مقام اونمره و امضاء شده است ثبت نمايند در صورتی كه محل اقامت برات دهندۀ يا ظهري نويس اولي در روي برات قيد شده باشد دفتر محكمه بايد آنها را توسط كاغذ سفارشي از علل امتناع از تاديه مستحضر سازد.

مبحث يازدهم

برات رجوعي

ماده 298 - برات رجوعي براتي است كه دارنده برات اصلي پس از اعتراض براي دريافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ بعهدۀ برات دهندۀ يا يكي از ظهري نويسها صادر مي كند.

ماده 299 - اگر برات رجوعي بعهدۀ برات دهندۀ اصلي صادر شود تفاوت بين نرخ مكان تاديه برات اصلي و نرخ مكان صدور آن بعهدۀ او خواهد بود و اگر برات رجوعي به عهدۀ يكي از ظهري نويسها صادر شود مشارالیه بايد از عهدۀ تفاوت نرخ مكاني كه برات اصلي را در آن جامعا مملۀ يا تسليم كرده است و نرخ مكاني كه برات رجوعي در آنجا صادر شده است برآيد.

ماده 300 - به برات رجوعي بايد صورت حسابي (حساب بازگشت) ضميمه شود ، در صورت حساب مزبور مراتب ذيل قيد مي گردد -

1 - اسم شخصي كه برات رجوعي بعهدۀ او صادر شده است.

2 - مبلغ اصلي برات اعتراض شده.

3 - مخارج اعتراضنامه و ساير مخارج معموله از قبيل حق العمل صراف و دلال و وجه تمير و مخارج پست وغيره.

4 - مبلغ تفاوت نرخهاي مذكور در ماده (299)

ماده 301 - صورت حساب مذكور در ماده قبل بايد توسط دونفر تاجر تصديق شود و علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقي از اعتراض نامه به صورت حساب مزبور ضميمه گردد.

ماده 302 - هرگاه برات رجوعي بعهدۀ يكي از ظهري نويسها صادر شود علاوه بر مراتب مذكور در مواد 300 و 301 بايد تصديق نامه كه تفاوت بين نرخ مكان تاديه برات اصلي و مكان صدور آن رامعين نمايد ضميمه شود.

ماده 303 - نسبت به يك برات صورت حساب بازگشت متعدد نمي توان ترتيب داد و اگر برات رجوعي بعهدۀ يكي از ظهري نويسها صادر شده باشد حساب

بازگشت متوالیابه توسط ظهرنویسهاپرداخته می شودتابه برات دهنده اولی  
برسد.

تحمیلات براتهای رجوعی رانمی توان تمامابریکنفرواردساخت هریک  
ازظهرنویسهاوبرات دهنده اولی فقط عهده داریک خرج است.  
ماده 304 - خسارت تاخیرتادیه مبلغ اصلی برات که بواسطه عدم تادیه  
اعتراض شده است ازروزاعتراض وخسارت تاخیرتادیه مخارج اعتراض و مخارج  
برات رجوعی فقط ازروزاقمه دعوی محسوب می شود.  
مبحث دوازدهم

قوانین خارجی

ماده 305 - درموردبرواتی که درخارج ایران صادرشده شرایط اساسی برات  
تابع قوانین مملکت صدوراست.

هرقسمت ازسایرتعهدات براتی (تعهدات ناشی ازظهرنویسی ضمانت قبولی  
و غیره) نیزکه درخارجه بوجودآمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد درآن  
جاوجودپیدا کرده است معذالك اگرشرایط اساسی برات مطابق قانون ایران  
موجودویاتعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشدکسانی که در ایران  
تعهداتی کرده اندحق استنادبه این ندارندکه شرایط اساسی برات یا تعهدات  
براتی مقدم برتعهدآنها مطابق باقوانین خارجی نیست.

ماده 306 - اعتراض وبطورکلی هراقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات  
واستفاده ازآن درخارجه بایدعمل آیدتابع قوانین مملکتی خواهدبود که آن  
اقدام بایددرآنجا بشود.

فصل دوم

درفته طلب

ماده 307 - فته طلب سندی است که بموجب آن امضاءکننده تعهدمی کند  
مبلغی درموعدمعین یا عندالمطالبه دروجه حامل یا شخص معین ویابه حواله  
کرد آن شخص کارسازی نماید.

ماده 308 - فته طلب علاوه برامضاءبامهریابداری تاریخ و متضمن مراتب ذیل  
باشد -

1 - مبلغی که بایدتادیه شودباتمام حروف.

2 - گیرنده وجه.

3 - تاریخ پرداخت.

ماده 309 - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (ازمبحث چهارم الی آخرفصل  
اول این باب) درموردفته طلب نیزلازم الرعايه است.

فصل سوم

چك

ماده 310 - چك نوشته ای است که بموجب آن صادرکننده وجوهی را که در  
نزد محال علیه داردکلا یا بعضامستردیابه دیگری واگذارمی نماید.

ماده 311 - درچك بایدمحل وتاریخ صدورقیدشده وبه امضای صادرکننده برسد  
، پرداخت وجه نبایدوعده داشته باشد.

ماده 312 - چك ممكن است دروجه حامل ياشخص معين يابه حواله كردباشد ممكن است به صرف امضاءدرظهربه ديگري منتقل شود.

ماده 313 - وجه چك بايدبه محض ارائه كارسازي شود.

ماده 314 - صدورچك ولواینكه ازمحلي به محل ديگرباشدذاتاعمل تجارتي محسوب نيست ليكن مقررات اين قانون اضمانت صادرکننده وظهرويسهاو اعتراض واقامه دعوي وضممن ومفقودشدن راجع به بروات شامل چك نيزخواهد بود.

ماده 315 - اگرچك درهمان مكاني كه صادرشده است بايدتاديه گردد دارنده چك بايددرظرف پانزده روزازتاريخ صدوروجه آن رامطالبه كندواگر ازيك نقطه به نقطه ديگرايران صادرشده باشدبايددرظرف چهل وپنج روزاز تاريخ صدورچك مطالبه شود.

اگردارنده چك درظرف مواعدمذكوره دراين ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نكندديگري دعوي اوبرعليه ظهرويس مسموع نخواهدبودواگوجه چك به سببي كه مربوط به محال عليه است ازبين بروددعوي دارنده چك برعليه صادر کننده نيزدرمحكمه مسموع نيست.

ماده 316 - كسي كه وجه چك رادريافت مي كندبايدظهران رامضاءيامهر نمايداگرچه چك دروجه حامل باشد.

ماده 317 - مقررات راجعه به چك هائي كه درايران صادرشده است درمورد چكهايي كه ازخارجه صادرشده وبايددرايران پرداخته شودنيزرعايت خواهدشد ليكن مهلتي كه درظرف آن دارنده چك مي تواندوجه چك رامطالبه كندچهارماه ازتاريخ صدوراست.

فصل چهارم

درمرورزمان

ماده 318 - دعاوي راجعه به برات وفته طلب وچك كه ازطرف تجارياياري امورتجارتي صادرشده پس ازانقضاي پنج سال ازتاريخ صدوراعتراضنامه ويا آخرين تعقيب قضائي درمحاكم مسموع نخواهدبودمگراينكه درظرف اين مدت رسمااقراريدن واقع شده باشدكه دراين صورت مبداءمرورزمان ازتاريخ اقرارمحسوب است.

درصورت عدم اعتراض مدت مرورزمان ازتاريخ انقضامهلت اعتراض شروع مي شود.

تبصره - مفاداین ماده درموردبروات وچك وفته طلبهايي كه قبل از تاريخ اجراي قانون تجارت مصوب 25دلو1303و12فروردین و12خرداد1304 صادرشده است قابل اجراءنبوده واين اسنادازحيث مرورزمان تابع مقررات مربوطه مرورزمان راجع به اموال منقوله است.

ماده 319 - اگوجه برات يافته طلب ياچك رانتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه كرددارنده برات يافته طلب ياچك مي تواندتا حصول مرورزمان اموال منقوله وجه آن راازكسي كه به ضرراواستفاده بلاجهت کرده است مطالبه نمايد.

تبصره - حکم فوق درموردی نیز جاری است که برات یافته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

باب پنجم

اسناد در وجه حامل

ماده 320 - دارنده هر سند در وجه حامل مالك و براي مطالبه وجه آن محق محسوب مي شود مگر در صورت ثبوت خلاف معذك اگر مقامات صلاحیت دار قضائي یا پلیس تادیه وجه آن سند را منع کند تادیه وجه به حامل مدیون رانسیب به شخص ثالثی که ممکنست سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد.

ماده 321 - جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تادیه نیست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده 322 - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه های کوپن یا دارای ضمیمه ای برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سند به دارنده آن حق میدهد ربح یا منفعتی را مرتباً دریافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق مقررات ذیل عمل خواهد شد.

ماده 323 - مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافیست.

ماده 324 - اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید بوسیله اعلان درجرایده دارنده مجهول سند اخطار کند ، هرگاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند را ابراز ننمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد محکمه می تواند لدی الاقتضاء مدتی بیش از سه سال تعیین کند.

ماده 325 - به تقاضای مدعی محکمه می تواند به مدیون قدغن کند که وجه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تأمیننی که محکمه تصویب نماید.

ماده 326 - در مورد گم شدن اوراق کوپن هائی که در ضمن جریان دعوی لازم التادیه می شود به ترتیب مقرر در مواد 332 و 333 عمل خواهد شد.

ماده 327 - اخطار مذکور در ماده 324 باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود. محکمه می تواند بعلاوه اعلان درجرایده دیگر را نیز مقرر دارد.

ماده 328 - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد که هرگاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابراز کننده آن مسترد خواهد گردید.

ماده 329 - اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده 324 مقرر و اعلان سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده 330 - ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجله رسمی و هر وسیله دیگری که محکمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده 331 - پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند بخرج اوسند جدیدی بالی الاقتضاء اوراق کوپن تازه به او بدهند اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تادیبه خواهد داشت.

ماده 332 - هرگاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده 322 نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد -

محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می دهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضای اجل در صورت موجل بودن ، به صندوق عدلیه بسپارد.

ماده 333 - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند را از شد مطابق ماده 328 رفتار و الا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می شود.

ماده 334 - مقررات این باب شامل اسکناس نیست.

باب ششم  
دلایلی

فصل اول - کلیات

ماده 335 - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که میخواهد معاملات را نمایند طرف معامله پیدامی کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.

ماده 336 - دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصانیز تجارت کند.

ماده 337 - دلال باید در نهایت صحت و او روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معاملات مطلع سازد و لو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می باشد ماده 338 - دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تادیبه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجراء گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

ماده 339 - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است.

ماده 340 - در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

ماده 341 - دلال می تواند در زمان واحد برای چند آمر دیکر رشته یا رشته های مختلف دلالی کند ولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر برای آنها شود مطلع نماید.

ماده 342 - هرگاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده اند دلال ضامن صحت و اعتبار

امضاهای نوشتجات و اسناد مزبور است.  
ماده 343 - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می شود نیست.  
ماده 344 - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره ای که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.  
ماده 345 - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.  
ماده 346 - در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهمیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.  
ماده 347 - در صورتی که دلال در معامله سهمیم باشد با امر خود متضامن مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

#### فصل دوم

#### اجرت دلال و مخارج

ماده 348 - دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.  
ماده 349 - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او ماموریت داده برفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.  
ماده 350 - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.  
ماده 351 - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود و لو آنکه معامله سرنگردد.  
همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.  
ماده 352 - در صورتی که معامله به رضایت طرفین بابه واسطه یکی از خيارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.  
ماده 353 - دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.  
مواد 354 و 355 - با توجه به ماده 13 قانون دلالان مصوب سال 1317 و آئین نامه دلالان معاملات ملکی مصوب سال 1319 با اصلاحیه های بعدی ، نسخ گردید  
فصل سوم - دفتر  
ماده 356 - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید -  
1 - اسم متعاملین

- 2 - مالي که موضوع معامله است.
- 3 - نوع معامله.
- 4 - شرایط معامله باتشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوري است یا به وعده است.
- 5 - عوض مالي که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوري است یا به وعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتی که برات باشد به رویت است یا به وعده.
- 6 - امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدلیه. دفتر دلایلی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجارتي است.
- باب هفتم  
حق العمل کاري (کمپسیون)
- ماده 357 - حق العمل کار کسی است که به اسم خود و لوی به حساب دیگری (آمر) معاملات کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.
- ماده 358 - جز در مواردی که بموجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق العمل کاري نیز رعایت خواهد شد.
- ماده 359 - حق العمل کار باید امر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام ماموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد.
- ماده 360 - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.
- ماده 361 - اگر مال التجاره ای که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت بحری (آواری) به وسائل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و امر را از اقدامات خود مستحضر کند و الا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.
- ماده 363 - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.
- ماده 364 - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.
- ماده 365 - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش برساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.
- ماده 366 - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذک اگر فروش نسیه داخل در عرف تجارتي محل باشد حق العمل کار ماذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.
- ماده 367 - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده



وایشخصاضمانت طرف معامله را کرده ویا عرف تجارتي بلداورامستول قرار دهد. ماده 368 - مخارجي که حق العمل کار کرده ویرای انجام معامله ونفع امر لازم بوده وهمچنین هر مساعده که به نفع آمرداده باشد باید اصلا ومنفعه به حق العمل کار مسترد شود.

حق العمل کار مي تواند مخارج انبارداري وحمل ونقل رانيز به حساب امر گذارد. ماده 369 - وقتي حق العمل کار مستحق حق العمل مي شود که معامله اجراء شده ویا عدم اجرائي آن مستند به فعل آمر باشد نسبت به اموري که در نتیجه علل ديگري انجام پذير نشده حق العمل کار براي اقدامات خود فقط مستحق اجرتي خواهد بود که عرف وعادات محل معين مي نمايد.

ماده 370 - اگر حق العمل کار نادرستي کرده ومخصوصا موردی که به حساب آمر قيمتي علاوه بر قيمت خريد ویا کمتر از قيمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود بعلاوه در دو صورت اخير آمر مي تواند خود حق العمل کار را خريداري فروشنده محسوب کند.

تبصره - دستور فوق مانع از اجرائي مجازاتي که براي خيانت در امانت مقرر است نيست.

ماده 371 - حق العمل کار در مقابل آمر براي وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالي که موضوع معامله بوده ویا نسبت به قيمتي که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت.

ماده 372 - اگر فروش مال ممکن نشده ویا آمر از اجازه فروش رجوع کرده ومال التجاره را بيش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار مي تواند آنرا بانظارت مدعي العموم بدایت محل یا نماینده او بطريق مزايده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد ولي در هر حال قبلا باید به او اخطار به رسمي ارسال گردد مگر اينکه اموال از جمله اموال سريع الفساد باشد.

ماده 373 - اگر حق العمل کار مامور به خريد یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي یا ساير اوراق بهاداري باشد که مظنه بورسي یا بازاری دارد مي تواند چیزی را که مامور به خريد آن بوده خود شخصابه عنوان فروشنده تسليم بکند و یا چیزی را که مامور به فروش آن بوده شخصابه عنوان خريدار نگاهدارد مگر اينکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده 374 - در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قيمت را بر طبق مظنه بورسي یا نرخ بازار در روزي که وکالت خود را انجام مي دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل وهم مخارج عاديه حق العمل کاري را برداشت کند.

ماده 375 - در هر موردی که حق العمل کار شخصامي تواند خريداري یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعيين طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

ماده 376 - اگر آمر از امر خود رجوع کرده وحق العمل کار قبل از ارسال خبر معامله از اين رجوع مستحضر گردد ديگر نمي تواند شخصاً خريداري یا فروشنده واقع شود.

باب هشتم

## قرارداد حمل و نقل

- ماده 377 - متصدي حمل و نقل كسي است كه درمقابل اجرت حمل اشياء رابه عهده مي گيرد.
- ماده 378 - قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وكالت خواهد بود مگر در مواردی كه ذیلا استثناء شده باشد
- ماده 379 - ارسال كننده بايد نكات ذیل رابه اطلاع متصدي حمل و نقل برساند - آدرس صحيح مرسل اليه ، محل تسليم مال ، عده عدل ، يابسته و طرز عدل بندي ، وزن و محتوي عدلها ، مدتي كه مال بايد در آن مدت تسليم شود راهي را كه حمل بايد از آن رابعمل آيد ، قيمت اشيائي كه گرانهاست خسارات ناشيه از عدم تعيين نكات فوق و يا از تعيين آنها به غلط متوجه ارسال كننده خواهد بود.
- ماده 380 - ارسال كننده بايد مواظبت نمايد كه مال التجاره بطرز مناسبی عدل بندي شود. خسارات بحري (آواري) ناشي از عيوب عدل بندي بعهدہ ارسال كننده است.
- ماده 381 - اگر عدل بندي عيب ظاهري داشته و متصدي حمل و نقل مال را بدون قيد عدم مسئوليت قبول کرده باشد مسئول آواري خواهد بود.
- ماده 382 - ارسال كننده مي تواند مادام كه مال التجاره دريد متصدي حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجي كه متصدي حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگيرد.
- ماده 383 - در موارد ذیل ارسال كننده نمي تواند از حق استرداد مذکور در ماده 382 استفاده كند :
- 1 - در صورتی كه بارنامه اي توسط ارسال كننده تهيه وبه وسيله متصدي حمل و نقل به مرسل اليه تسليم شده باشد.
  - 2 - در صورتی كه متصدي حمل و نقل رسيدی به ارسال كننده داده و ارسال - كننده نتواند آن را پس دهد.
  - 3 - در صورتی كه متصدي حمل و نقل به مرسل اليه اعلام کرده باشد كه مال التجاره به مقصد رسیده و بايد آنرا تحويل بگيرد.
  - 4 - در صورتی كه پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل اليه تسليم آن را تقاضا کرده باشد.
- در اين موارد متصدي حمل و نقل بايد مطابق دستور مرسل اليه عمل كند. معذالك اگر متصدي حمل و نقل رسيدی به ارسال كننده داده مادام كه مال التجاره به مقصد رسیده مكلف به رعايت دستور مرسل اليه نخواهد بود مگر اينكه رسيد به مرسل اليه تسليم شده باشد.
- ماده 384 - اگر مرسل اليه مال التجاره را قبول نكند و يا مخارج وساير مطالبات متصدي حمل و نقل بابت مال التجاره تاديه نشود و يا به مرسل اليه دسترسي نباشد متصدي حمل و نقل بايد مراتب رابه اطلاع ارسال كننده رسانیده و مال التجاره را موقتا نزد خود بطور امانت نگاه داشته و يا نزد هرنثالثي امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هرنقص و عيب بعهدہ ارسال كننده خواهد

بود. اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند متصدی حمل و نقل می تواند مطابق ماده 362 آن را بفروش رساند. حتی المقدور ارسال کننده و مرسل الیه را باید از اینکه مال التجاره بفروش خواهد رسید مسبق نمود.

ماده 386 - اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.

ماده 387 - در مورد خسارات ناشیه از تاخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود.

خسارات مزبور نمی تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده 388 - متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد.

بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع اوبه متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

ماده 389 - متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره مرسل الیه را مستحضر نماید.

ماده 390 - اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیهِ را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

ماده 391 - اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهرنیز خواهد بود در صورتی که مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی مال التجاره ممکن بود بعمل آید و یا بایستی بعمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع باید منتهاتاً هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده 392 - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیتدار محل می تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لای الاقتضاء فروخته شود. در

صورت اخير فروش بايد پس از تنظيم صورت مجلسي حاكي از آنكه مال التجاره درچه حال بوده بعمل آيد.

بوسيله پرداخت تمام مخارج و وجوهي كه بابت مال التجاره ادعامي شود و پاسپردن آن به صندوق عدليه از فروش مال التجاره مي توان جلوگیری كرد. ماده 393 - نسبت به دعوي خسارت برعليه متصدي حمل و نقل مدت روز زمان يك سال است. مبداء اين مدت در صورت تلف يا گم شدن مال التجاره و يا تاخير در تسليم روزي است كه تسليم بایستی در آن روز عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحري (آواري) روزي كه مال به مرسل اليه تسليم شده. ماده 394 - حمل و نقل بوسيله پست تابع مقررات اين باب نیست.

باب نهم

قائم مقام تجارتي وساير نمايندگان تجارتي

ماده 395 - قائم مقام تجارتي كسي است كه رئيس تجارخانه او را براي انجام كلييه امور مربوطه به تجارت خانه يايكي از شعب آن نايب خود قرارداد داده و امضاي او را براي تجارخانه الزام آوراست. سمت مزبور ممكن است كتباداده شود يا عملاً.

ماده 396 - تجديد اختيارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصي كه از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست.

ماده 397 - قائم مقامي تجارتي ممكن است به چند نفر مجتمعا داده شود با قيد اينكه تا تمام امضاء نكنند تجارخانه ملزم نخواهد شد و لي در مقابل اشخاص ثالثي كه از اين قيد اطلاع نداشته اند فقط در صورتي مي توان از آن استفاده كرد كه اين قيد مطابق مقررات وزارت عدليه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده 398 - قائم مقام تجارتي بدون اذن رئيس تجارخانه نمي تواند كسي را در كلييه كارهاي تجارت خانه نايب خود قرارداد دهد.

ماده 399 - عزل قائم مقام تجارتي كه وكالت او به ثبت رسیده و اعلان شده بايد مطابق مقررات وزارت عدليه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثي كه از عزل مطلع نبوده وكالت باقي محسوب مي شود.

ماده 400 - با فوت يا حجر رئيس تجارخانه قائم مقام تجارتي منعزل نیست با انحلال شركت قائم مقام تجارتي منعزل است.

ماده 401 - وكالت ساير كساني كه در قسمتي از امور تجارت خانه يا شعبه تجارخانه سمت نمايندگي دارند تابع مقررات عمومي راجع به وكالت است.

باب دهم

ضمانت

ماده 402 - ضامن وقتي حق دارد از مضمون له تقاضا نمايد كه بدوا به مديون اصلي رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به اور رجوع نمايد كه بين طرفين (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) اين ترتيب مقرر شده باشد.

ماده 403 - در كلييه مواردی كه بموجب قوانين يا موافق قراردادهاي خصوصي

- ضمانت تضامني باشد طلبکارمي تواند به ضامن و مدیون اصلي مجتمارجوع کرده ياپس از رجوع به يکي از آنها و عدم وصول طلب خودبراي تمام يا بقيه طلب به ديگري رجوع نمايد.
- ماده 404 - حکم فوق درموردي نيزجاري است که چندنفر به موجب قرارداد يا قانون متضامنا مسئول انجام تعهدي باشند.
- ماده 405 - قبل ازرسيدن اجل دين اصلي ضامن ملزم به تاديه نيست ولو اين که بواسطه ورشکستگي يافوت مدیون اصلي دين موجل اوحال شده باشد.
- ماده 406 - ضمان حال ازقاعده فوق مستثني است.
- ماده 407 - اگرحق مطالبه دين اصلي مشروط به اخطارقبلي است اين اخطار نسبت به ضامن نيزبايدعمل آيد.
- ماده 408 - همين که دين اصلي به نحوي ازانحاءساقط شدضامن نيزبري مي شود.
- ماده 409 - همين که دين حال شد ضامن مي تواندمضمون له رابه دريافت طلب يانصراف ازضمان ملزم کند ولوضمان موجل باشد.
- ماده 410 - استنکاف مضمون له ازدريافت طلب يامتناع ازتسليم وثيقه اگردين باوثيقه بوده ضامن رافورا و بخودي خودبري خواهدساخت.
- ماده 411 - پس ازآنکه ضامن دين اصلي راپرداخت مضمون له بايدتمام اسنادومدارکي راکه براي رجوع ضامن به مضمون عنه لازم ومفيداست به اوداده و اگردين اصلي باوثيقه باشدآن رابه ضامن تسليم نمايد ، اگردين اصلي وثيقه غيرمنقول داشته مضمون عنه مکلف به انجام تشريفاتي است که براي انتقال وثيقه به ضامن لازم است.
- باب يازدهم - در ورشکستگي  
فصل اول درکليات
- به قانون تصفيه امور ورشکستگي که بعدا تصويب شده مراجعه شود
- ماده 412 - ورشکستگي تاجريا شرکت تجارتي درنتيجه توقف ازتاديه وجوهي که برعهده اواست حاصل مي شود. حکم ورشکستگي تاجري راکه حين الفوت درحال توقف بوده تاينک سال بعدازمرگ اونيزمي توان صادرنمود.
- فصل دوم  
دراعلان ورشکستگي واثرات آن
- ماده 413 - تاجربايد درطرف 3 روز از تاريخ وقفه که درتاديه قروض يا سايرتعهدات نقدي اوحاصل شده است توقف خودرابه دفترمحکمه بدایت محل اقامت خوداظهارنموده صورت حساب دارائي وکليه دفاترتجارتي خودرا به دفترمحکمه مزبور تسليم نمايد.
- ماده 414 - صورت حساب مذکوردر ماده فوق بايدمورخ بوده وبه امضاء تاجر رسيده و متضمن مراتب ذيل باشد -
- 1 - تعداد و تقويم کليه اموال منقول و غيرمنقول تاجر متوقف بطور مشروح.
  - 2 - صورت کليه قروض ومطالبات.
  - 3 - صورت نفع و ضرورصورت مخارج شخصي.

- در صورت توقف شرکتهای تضامنی ، مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود.
- ماده 415 - ورشکستگی تاجر حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می شود -
- الف - بر حسب اظهار خود تاجر.
- ب - بموجب تقاضای يك یا چند نفر از طلبکارها.
- ج - بر حسب تقاضای مدعی العموم.
- ماده 416 - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ توقف محسوب است.
- ماده 417 - حکم ورشکستگی بطور موقت اجرامی شود.
- ماده 418 - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیب دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.
- ماده 419 - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند ، کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.
- ماده 420 - محکمه هر وقت صلاح بداند می تواند در مورد تاجر ورشکسته رابه عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.
- ماده 421 - همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت قروض حال مبدل می شود.
- ماده 422 - هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی راقبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تادیب وجه فته طلب یا برات می باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقد بپردازند یا تادیب آن را در سر وعده تامین نمایند.
- ماده 423 - هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلا اثر خواهد بود -
- 1 - هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلا عوض اعم از این که راجع به منقول یا غیر منقول باشد.
  - 2 - تادیب هر قرض اعم از حال یا موجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد.
  - 3 - هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود.
- ماده 424 - هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل

از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود.

ماده 425 - هرگاه محکمه بموجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عینا به مدیریت تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارای تاجر به غرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

ماده 426 - اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خود بخود باطل و عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حصه خواهد بود.

فصل سوم  
در تعیین عضو ناظر

ماده 427 - در حکمی که بموجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می شود محکمه یک نفر را به سمت عضو ناظر معین خواهد کرد.

ماده 428 - عضو ناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آنست.

ماده 429 - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضو ناظر به محکمه راپورت خواهد داد.

ماده 430 - شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده.

ماده 431 - مرجع شکایت محکمه است که عضو ناظر است رامعین کرده.

ماده 432 - محکمه همیشه می تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد.

فصل چهارم  
در اقدام ب مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت ب ورشکسته

ماده 433 - محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم رانیز میدهد.

ماده 434 - مهر و موم باید فوراً به توسط عضو ناظر بعمل آید مگر در صورتی که بعقیده عضو مزبور برداشتن صورت داری تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده 435 - اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده 413 و 414 عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد.

ماده 436 - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد بواسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند.

ماده 437 - در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از داری خود را مخفی نموده باشد امین صلح می تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.

ماده 438 - انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارخانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود.

ماده 439 - در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا بموجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.

فصل پنجم  
در مدیریت تصفیه

ماده 440 - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتها در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند.

ماده 441 - اقدامات مدیریت تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و بطور کلی وظایف مدیریت تصفیه علاوه بر آن قسمتی که بموجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه ای که طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد.

ماده 442 - میزان حق الزحمه مدیریت تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.

فصل ششم در وظایف مدیریت تصفیه  
مبحث اول در کلیات

ماده 443 - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیریت تصفیه بعمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

ماده 444 - عضو ناظر به تقاضای مدیریت تصفیه به او اجازه می دهد که اشیاء ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید.

1 - البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است.

2 - اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید.

3 - اشیائی که برای بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد. اشیاء مذکور در فقره ثانی و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.

ماده 445 - فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاهداشتن آنها مفید نیست و همچنین بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر به توسط مدیریت تصفیه بعمل می آید.

ماده 446 - دفتر دار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر ائمهین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آنکه ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیریت تصفیه تسلیم می نماید.

دفتر دار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را بطور خلاصه قید کند ، اوراق هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و با نسبت به آنها باید اقدامات تأمینیه بعمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیریت تصفیه



تحويل مي شود تا وجه آن را وصول نمايد و فهرستي که از مدير تصفيه گرفته مي شود به عضوناظر تسليم مي گردد ، ساير مطالبات را مدير تصفيه در مقابل قبضي که مي دهد وصول مي نمايد مراسلاتي که به اسم تاجر ورشکسته مي رسد به مدير تصفيه تسليم و به توسط او بازمي شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات مي تواند شرکت کند.

ماده 447 - تاجر ورشکسته در صورتي که وسيله ديگري براي اعاشه نداشته باشد مي تواند نفقه خود و خانواده اش را از دارائي خود درخواست کند. در اين صورت عضوناظر نفقه و مقدار آن را با تصويب محکمه معين مي نمايد.

ماده 448 - مدير تصفيه تاجر ورشکسته را براي بستن دفاتر احضار مي نمايد براي حضور او منتهای چهل و هشت ساعت مهلت داده مي شود در صورتي که تاجر حاضر نشد با حضور عضوناظر اقدام بعمل خواهد آمد ، تاجر ورشکسته مي تواند در موقع کليه عمليات تامينيه حاضر باشد.

ماده 449 - در صورتي که تاجر ورشکسته صورت دارائي خود را تسليم ننموده باشد مدير تصفيه آن را فوراً بوسيله دفاتر اسناد مشاورالیه و ساير اطلاعاتي که تحصيل مي نمايد تنظيم مي کند.

ماده 450 - عضوناظر مجاز است که راجع به تنظيم صورت دارائي و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگي از تاجر ورشکسته و شاگرد ها و مستخدمين او و همچنين از اشخاص ديگر توضيحات بخواهد و بايد از تحقيقات مذکوره صورت مجلس ترتيب دهد.

مبحث دوم

در رفع توقيف و ترتيب صورت دارائي

ماده 451 - مدير تصفيه پس از تقاضاي رفع توقيف شروع به تنظيم صورت دارائي و تاجر ورشکسته راهم در اين موقع احضار مي کند ولي عدم حضور او مانع از عمل نيست.

ماده 452 - مدير تصفيه به تدريجي که رفع توقيف مي شود صورت دارائي را در دو نسخه تهيه مي نمايد.

يکي از نسختين به دفتر محکمه تسليم شده و ديگري در نزد او مي ماند.

ماده 453 - مدير تصفيه مي تواند براي تهيه صورت دارائي و تقويم اموال از اشخاصي که لازم بدانداست مداد کند صورت اشيائي که موافق ماده 444 در تحت توقيف نيامده ولي قبلاً تقويم شده است ضميمه صورت دارائي خواهد شد.

ماده 454 - مدير تصفيه بايد در ظرف پانزده روز از تاريخ ماموريت خود صورت خلاصه از وضعیت ورشکستگي و همچنين از علل و اوضاعي که موجب آن شده و نوع ورشکستگي که ظاهر بنظر مي آيد ترتيب داده بعضوناظر بدهد ، عضوناظر صورت مزبور را فوراً به مدعي العموم ابتدائي محل تسليم مي نمايد.

ماده 455 - صاحب منصبان پارکه مي توانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر ورشکسته رفته و در حين برداشتن صورت دارائي حضور بهم رسانند مامورين پارکه در هر موقع حق دارند دفاتر اسناد و نوشتهجات مربوط به

ورشکستگی مراجعه کنندان مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.  
مبحث سوم

درفروش اموال ووصول مطالبات

ماده 456 - پس از تهیه شدن صورت دارائی تمام مال التجاره ووجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (بغیر از مستثنیات دین) و اشیاء تاجر ورشکسته به مدیریت تصفیه تسلیم میشود.

ماده 457 - مدیریت تصفیه بانظار عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می تواند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر به فروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا الاقل مشارالیه را برای دادن توضیحات احضار کند ترتیب فروش بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده 458 - نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکارها در آن ذینفع می باشند مدیریت تصفیه با اجازه عضو ناظر می تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگرچه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده 459 - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح نامه تاجر ورشکسته احضار می شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند ، اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ماده 460 - وجوهی که به توسط مدیریت تصفیه دریافت می شود باید فوراً به صندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج بازمی کند و جوه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیریت تصفیه.

مبحث چهارم

در اقدامات تأمینیه

ماده 461 - مدیریت تصفیه مکلف است از روز شروع به ماموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت به مدیونین او بعمل آورد.

مبحث پنجم

در تشخیص مطالبات طلبکارها

ماده 462 - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیریت تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده ، اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتر دار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

ماده 463 - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر معین می گردد به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد تعقیب می

شود. ماده 464 - هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارائی منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم رسانیده و نسبت به طلبهائی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید ، همین حق را خود تا جرور شکسته هم خواهد داشت.

ماده 465 - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سند داده می شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است.

ماده 466 - عضو ناظر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده 467 - اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء می نماید و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می کند.

"جز و قروض... مبلغ... قبول شد به تاریخ...."

هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.

ماده 468 - اگر طلب متنازع فیه واقع شد عضو ناظر می تواند حل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپورت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر بعمل آید و اشخاصی را که می تواند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده 469 - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیئت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تاخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود. ماده 470 - محکمه می تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرارداد دهد که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می کند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.

ماده 471 - در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه می تواند قرار تاخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تاخیر مجلس نمود نمی تواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده اند طلبکار مزبور نمی تواند بهیچ وجه در عملیات راجعه به ورشکستگی شرکت کند.

ماده 472 - پس از انقضای مهلت های معین در مواد 462 و 467 به ترتیب قرارداد ارفاقی و به سایر عملیات راجعه به ورشکستگی مداومت می شود.

ماده 473 - طلبکارهائی که در موعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده 462 عمل نکرده نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم

وجوه قبل از آمدن آنها بعمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند و در تقسیماتی که ممکن است بعد از عمل آید جزء حساب می شود بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده 474 - اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرف نظر از آن نمی کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نمود و بموقع اجراء گذارند.

ماده 475 - حکم فوق درباره دعوی خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر اینکه ضرر طلبکارها نباشد.

#### فصل هفتم

در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته  
مبحث اول

در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده 476 - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که بموجب نظامنامه مذکور در ماده 467 معین شده به توسط دفتر دار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می نماید ، موضوع دعوت مجمع طلبکارها در رقعتهای دعوت و اعلانات مندرجه درجرا باید تصریح شود.

ماده 477 - مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشاورانیه منعقد می شود. طلبکارهایی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می شود مشاورانیه باید مشخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.

ماده 478 - مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتهای از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که بعمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می دهد راپورت مزبوره امضاء مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلس ترتیب دهد.

#### مبحث دوم در قرارداد ارفاقی

##### فقره اول در ترتیب قرارداد ارفاقی

ماده 479 - قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمی شود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است.

ماده 480 - قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می شود که لا اقل نصف بعلاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لا اقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند و الا بلا اثر خواهد بود.

ماده 481 - هرگاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عددًا حاضر شوند ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می شود.

ماده 482 - طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و صورت مجلس را امضاء نموده اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است ، اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده 480 تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود.

ماده 483 - اگر تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی شود در موقعی که تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می شود لازم است طلبکارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول به زمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و مبلغ اکثریت معین در ماده 480 را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.

ماده 484 - اگر تاجر بعنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها می توانند تا حصول نتیجه تعقیب و بازعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را به تاخیر بیاورند.

ماده 485 - کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته اند می توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند ، اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود و الا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که بعمل ورشکستگی رسیدگی می کند حاضر می شوند.

ماده 486 - قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هر یک از طرفین قرارداد می توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نمایند محکمه نمی تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید هرگاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی بعمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم واحد صادر کند اگر اعتراضات تصدیق شود نسبت به تمام اشخاص ذینفع بلا اثر می شود.

ماده 487 - قبل از آنکه محکمه در باب تصدیق قرارداد ارفاقی دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید.

ماده 488 - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی

امتناع خواهند نمود.

فقره دوم

در اثرات قرارداد ارفاقی

ماده 489 - همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شدن نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده اند قطعی خواهد بود ولی طلبکارهایی که جزواکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده اند نمی توانند سهم خود را موافق آنچه از دارائی تاجر به طلب کارها می رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتی از دارائی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تادیبه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضاء نموده اند.

ماده 490 - پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی شود مگر اینکه پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارائی یا مقدار قروض حيله بکاررفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.

ماده 491 - همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیریت تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می شود.

مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارائی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسید می گیرد و پس از آنکه قرار تادیبه سهم طلبکاران مذکور را در اموریت مدیریت تصفیه ختم می شود ، از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می نماید و ما موریتش خاتمه می یابد. در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.

فقره سوم

در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

ماده 492 - در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است -

1 - در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب.

2 - در مورد ماده 490.

ماده 493 - اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا

ضامن ها (در صورتی که باشد) بخودی خود ملغی می شود.

ماده 494 - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجراء نکند. ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.

ماده 495 - در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یک یا چند نفر

ضمانت کرده باشند طلب کارها می توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می شود ، در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است.

ماده 496 - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد بعنوان ورشکستگی به

تقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه می تواند هر قسم وسائل تأمینیه را که مقتضی بدان اتخاذ کند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب

یا حکم تبرئه وسائل مزبوره مرتفع می شود.

ماده 497 - پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین می کند.

ماده 498 - مدیر تصفیه می تواند دارائی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید مدیر تصفیه فوراً از روی صورت دارائی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارائی ترتیب می دهد ، مدیر تصفیه باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را آگاه سازد دعوت نماید که در ظرف یکماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند ، در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که بموجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود.

ماده 499 - بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می شود ، نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید بعمل نمی آید ، مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می شود.

ماده 500 - معاملات که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.

ماده 501 - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارائی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده اند به غرماً تقسیم می شود.

ماده 502 - اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته اند ماخوذي آنها از وجهی که به ترتیب غرماً به آنها می رسد کسر خواهد شد.

ماده 503 - هرگاه تاجر ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم الاجراست.

مبحث سوم

در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی

ماده 504 - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد.

ماده 505 - در صورتی که اکثریت مذکور در ماده 480 موافقت نماید محکمه مبلغی را برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده 447 معین خواهد کرد.

ماده 506 - اگر شرکت تضامنی ، مختلط یا نسبت ورشکست شود طلبکارها می توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصر بایک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند در صورت ثانی دارائی شرکت تابع مقررات این مبحث و به غرماً تقسیم می شود ولی دارائی شخصی شرکائی که با آنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است به غرماً تقسیم نخواهد شد شریک یا شرکاء ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی تواند تعهد حصه نمایند مگر از اموال

شخصي خودشان شريكي كه با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئوليت تضامني مبرا است.

ماده 507 - اگر طلبكارها بخواهند تجارت تاجر ورشكسته را ادامه دهند مي توانند براي اين امر وكيل يا عامل مخصوصي انتخاب نموده يا خود مدير تصفيه اين ماموريت را بدهند.

ماده 508 - در ضمن تصميمي كه وكالت مذكور در ماده فوق مقرر مي دارد بايد مدت و حدود وكالت و همچنين ميزان وجهي كه وكيل مي تواند براي مخارج لازمه پيش خود نگاهدارد معين گردد ، تصميم مذكور اتخاذ نمي شود مگر با حضور عضو ناظر و با اكثريت سه ربع از طلبكارها عدد او مبلغ خود تاجر ورشكسته و همچنين طلبكارهاي مخالف (بارعايت ماده 473) مي توانند نسبت به اين تصميم در محكمه اعتراض نمايند اين اعتراض اجرائي تصميم رابه تاخير نمي اندازد.

ماده 509 - اگر از معاملات وكيل يا عمالي كه تجارت ورشكسته را ادامه ميدهد تعهداتي حاصل شود كه پيش از حدارائي تاجر ورشكسته است فقط طلبكارهائي كه آن اجازه را داده اند شخصا علاوه بر حصه كه در دارائي مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختياراتي كه داده اند مسئول تعهدات مذكوره مي باشند.

ماده 510 - در صورتي كه عمل تاجر ورشكسته منجر به تفرغ حساب شود مدير تصفيه مكلف است تمام اموال منقول وغير منقول تاجر ورشكسته رابه فروش رسانيده مطالبات و ديون و حقوق او را صلح و مصالحه و وصول و تفرغ كند تمام اين مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشكسته بعمل مي آيد اگر تاجر ورشكسته از حضور استنكاف نمود استحضار مدعي العموم كافي است.

فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدليه بعمل خواهد آمد.

ماده 511 - همين كه تفرغ عمل تاجر به اتمام رسيد عضو ناظر طلبكارها و تاجر ورشكسته را دعوت مي نمايد در اين جلسه مدير تصفيه حساب خود را خواهد داد.

ماده 512 - هرگاه اموالي در اجاره تاجر ورشكسته باشد مدير تصفيه در فسخ يا ابقاء اجاره به نحوي كه موافق منافع طلبكارها باشد اتخاذ تصميم مي كند اگر تصميم برفسخ اجاره شده صاحبان اموال مستاجر از بابت مال الاجاره كه تا آن تاريخ مستحق شده اند جزء غير مامنظور مي شوند ، اگر تصميم بر ابقاء اجاره بوده و تا ميناتي هم سابقا بموجب اجاره نامه بموخر داده شده باشند آن تا مينات ابقاء خواهد شد و الا تا ميناتي كه پس از ورشكستگي داده مي شود بايد كافي باشد ، در صورتي كه با تصميم مدير تصفيه برفسخ اجاره موخر راضي به فسخ نشود حق مطالبه تا مين را نخواهد داشت.

ماده 513 - مدير تصفيه مي تواند با اجازه عضو ناظر اجاره را براي بقيه مدت به ديگري تفويض نمايد (مشروط بر اينكه بموجب قرارداد كتبي طرفين اين حق منع نشده باشد) و در صورت تفويض به غير بايد وثيقه كافي كه تا مين پرداخت مال



الاجاره را بنماید به مالك اموال مستاجرداده و كليه شرايط و مقررات اجاره نامه را بموقع خود اجرا كند.

#### فصل هشتم

در اقسام مختلفه طلبكارها و حقوق هريك از آنها

#### مبحث اول

در طلبكارهائي كه رهينه منقول دارند

ماده 514 - طلبكارهائي كه رهينه در دست دارند فقط در صورت غرما براي يادداشت قيدي شوند.

ماده 515 - مدير تصفيه مي تواند در هر موقع با اجازه عضوناظر طلب طلبكارها را داده و شيئي مرهون را از رهن خارج و جزء دارائي تاجر ورشكسته منظور دارد.

ماده 516 - اگر وثيقه فك نشود مدير تصفيه بايد بانظارت مدعي العموم آن را بفروش برساند و مرتن نيز در آن موقع بايد دعوت شود. اگر قيمت فروش وثيقه پس از وضع مخارج بيش از طلب طلبكارها باشد ما زاده مدير تصفيه تسليم مي شود و اگر قيمت فروش كمتر شد مرتن براي بقيه طلب خود در جزء طلبكارهاي عادي غرما منظور خواهد شد.

ماده 517 - مدير تصفيه صورت طلبكارهائي را كه ادعاي وثيقه مي نمايند به عضوناظر تقديم مي كند ، عضومزبور در صورت لزوم اجازه مي دهد طلب آنها از اولين وجوهي كه تهيه مي شود پرداخته گردد. در صورتی كه نسبت به حق وثيقه طلبكارها اعتراضی داشته باشند به محكمه رجوع می شود.

#### مبحث دوم

در طلبكارهائي كه نسبت به اموال غير منقول حق تقدم دارند  
ماده 518 - اگر تقسيم وجوهي كه از فروش اموال غير منقول حاصل شده قبل از تقسيم دارائي منقول ياد ر همان حين بعمل آمده باشد طلبكارهائي كه نسبت به اموال غير منقول حقوقي دارند و حاصل فروش اموال مزبوره كفايت طلب آنها را نموده است نسبت به بقيه طلب خود جزء غرما معمولي منظور و وجوهي كه براي غرما مزبور مقرر است حصه مي برند مشروط بر اين كه طلب آنها بطوري كه قبلا مذكور شده است تصديق شده باشد.

ماده 519 - اگر قبل از تقسيم وجوهي كه از فروش اموال غير منقول حاصل شده وجهي از بابت دارائي منقول تقسيم شود طلبكارهائي كه نسبت به اموال غير منقول حقوقي دارند و طلب آنها توسط آنها تصديق و اعتراف شده است به ميزان كلييه طلب خود جزء ساير غرما وارد و از وجوه حصه مي برند ولي عند الاقتضاء مبلغ دريافتي در موقع تقسيم حاصل اموال غير منقول از طلب آنها موضوع مي شود.

ماده 520 - در مورد طلبكارهائي كه نسبت به اموال غير منقول حقوقي دارند ولي به واسطه مقدم بودن ساير طلبكارهائي مي توانند در حين تقسيم قيمت اموال غير منقول طلب خود را تماما وصول كنند ترتيب ذيل مرعي خواهد بود.

اگر طلبكارهاي مزبور قبل از تقسيم حاصل اموال غير منقول از بابت طلب

خودوجهي دريافت داشته باشند اين مبلغ از حصه که از يابت اموال غير منقول به آنها تعلق مي گيرد موضوع ويه حصه که بايد بين طلبکارهاي معمولي تقسيم شود اضافه مي گردد و بقيه طلبکارهاي که در اموال غير منقول ذيق بوده اند براي بقيه طلب خود به نسبت آن بقيه جزء غرام محسوب شده حصه مي برند

ماده 521 - اگر بواسطه مقدم بودن طلبکارهاي ديگر بعضي از طلبکارهاي که نسبت به اموال غير منقول حقوقي دارند وجهي دريافت نکنند طلب آنها جزء غرام محسوب و بدین سمت هر معامله که از يابت قرارداد ارفاقي وغيره با غرام مي شود با آنها نيز عمل خواهد آمد.

فصل نهم

در تقسيم بين طلبکارها و فروش اموال منقول

ماده 522 - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگي واعانه که ممکن است به تاجر ورشکسته داده شده باشد و وجهي که بايد به صاحبان مطالبات ممتازه تاديه گردد مجموع دارائي منقول بين طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلا تشخيص و تصديق شده است تقسيم خواهد شد.

ماده 523 - مدير تصفيه براي اجراي مقصود مذکور در ماده فوق ماهي يك مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگي را با تعيين وجوه موجوده به عضوناظر مي دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسيم وجوه مزبور بين طلبکارها داده مبلغ آن رامعين و مواظبت مي نمايد که به تمام طلبکارها اطلاع داده شود.

ماده 524 - در موقع تقسيم وجوه بين طلبکارها حصه طلبکارهاي مقيم ممالك خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارائي وقروض منظور شده است موضوع مي گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحيحا در صورت دارائي وقروض منظور نشده باشد عضوناظر مي تواند حصه موضوعي را زياد کند براي مطالباتي که هنوز در باب آنها تصميم قطعي اتخاذ نشده است بايد مبلغي موضوع گردد.

ماده 525 - وجهي که براي طلبکارهاي مقيم خارجه موضوع شده است تا مدتي که قانون براي آنها معين کرده بطور امانت به صندوق عدليه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهاي مذکور مطابق اين قانون مطالبات خود را به تصديق نرسانند مبلغ مزبور بين طلبکارهاي که طلب آنها به تصديق رسیده تقسيم مي گردد و وجهي که براي مطالبات تصديق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصديق آن مطالبات بين طلبکارهاي که طلب آنها تصديق شده تقسيم مي شود.

ماده 526 - هيچ طلبي را مدير تصفيه نمي پردازد مگر آنکه مدارك واسناد آن را قبلا ملاحظه کرده باشد مدير تصفيه مبلغي را که پرداخته درروي سند قيد مي کند عضوناظر در صورت عدم امکان ابراز سند مي تواند اجازه دهد که بموجب صورت مجلسي که طلب در آن تصديق شده وجهي پرداخته شود در هر حال بايد طلبکارها رسيدوجه را در ذيل صورت تقسيم ذکر کنند.

ماده 527 - ممکن است هيئت طلبکارها به استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصيل اجازه نمايند که تمام يا قسمتي از حقوق و مطالبات

تاجرورشکسته را که هنوز وصول نشده بطوري که صرفه و صلاح تاجرورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در این صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را بعمل خواهد آورد در این خصوص هر طلبکار می تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ نمایند.

فصل دهم

در دعوی استرداد

ماده 528 - اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتي به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاهدارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تادیه نگشته و اسناد عینا در حین ورشکستگی در نزد تاجرورشکسته موجود باشد صاحبان آن می توانند عین اسناد را استرداد کنند.

ماده 529 - مال التجاره هائي که در نزد تاجرورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره بفروش برساند مادام که عین آنها کلا یا جزعاً نزد تاجرورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.

ماده 530 - مال التجاره هائي که تاجرورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده 531 - هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر

ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین

خریدار و تاجرورشکسته احتساب نشد باشد از طرف صاحب مال قابل

استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و بطور کلی عین

هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل

استرداد است.

ماده 532 - اگر مال التجاره که برای تاجرورشکسته حمل شده قبل از وصول از

از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضاء ارسال کننده است به فروش

رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی شود و الا موافق ماده

529 قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که بطور علی الحساب

گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تادیه شده

یا از این بابت ها بابت تادیه بشود به طلبکارها بپردازند.

ماده 533 - هرگاه کسی مال التجاره به تاجرورشکسته فروخته ولیکن هنوز

آن جنس نه بخود تاجرورشکسته تسلیم شده و نه به کسی دیگر که به

حساب او بیاورد آن کس می تواند به اندازه که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال

التجاره امتناع کند.

ماده 534 - در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم

مال التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته

مقرر شده است بپردازد.

ماده 535 - مدیرتصفیه می تواند باتصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده ناظر حکم مقتضی را میدهد.

فصل یازدهم

در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی

ماده 536 - حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که بموجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است.

ماده 537 - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یکماه از طرف آنهایی که در خارج اقامت دارند در ظرف دوماه بعمل آید ابتدای مدتهای مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می شود.

ماده 538 - پس از انقضاء مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که بموجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد ، همین که مهلت های مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود.

ماده 539 - مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ يك روز اضافه می شود.

ماده 540 - قرارهایی ذیل قابل اعتراض و استیناف تمیز نیست.

1 - قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیرتصفیه.

2 - قرارهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.

3 - قرارهای فروع اسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است.

4 - قرارهایی که قرارداد ارفاقی را موقتا موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه را مقرر می دارد.

5 - قرارهای صادره در خصوص شکایت از او امری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.

باب دوازدهم

در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

فصل اول

در ورشکستگی به تقصیر

ماده 541 - تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود.

1 - در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی اوفوق العاده بوده است.

2 - در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملات کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض

است.

3 - اگر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی یا با تریا فروشی نازل تراز مظنه روز کرده باشی یا اگر به همان قصد سائلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا بطریق دیگر باشد.

4 - اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.

ماده 542 - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود -

1 - اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظریه وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.

2 - اگر عملیات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده 413 این قانون رفتار نکرده باشد.

3 - اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب 25 دلو 1303 و 12 فروردین و 12 خرداد 1304 دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

ماده 543 - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از 6 ماه تا سه سال حبس تادیبی است.

ماده 544 - رسیدگی به جرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکارها یا تعقیب مدعی العموم در محکمه جنحه بعمل می آید.

ماده 545 - در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف مدعی العموم به عمل آمده باشد مخارج آن را به هیچوجه نمی توان به هیئت طلبکارها تحمیل نمود. در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مامورین اجرا نمی توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدت های معینه در قرارداد.

ماده 546 - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها می شود در صورت براءت تاجر به عهده هیئت طلبکارها و در صورتی که محکوم شده به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید

ماده 547 - مدیر تصفیه نمی تواند تاجر ورشکسته را بعنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر.

ماده 548 - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها بعمل می آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت براءت ذمه بعهدہ تعقیب کننده است.

فصل دوم

در ورشکستگی به تقلب  
ماده 549 - هرتاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده و یا بطریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده وهم چنین هرتاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسنادیابه وسیله صورت دارایی و قروض بطور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون مجازات می شود.  
ماده 550 - راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد 545 تا 548 لازم الرعایه است.

#### فصل سوم

در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند

ماده 551 - در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد :

1 - اشخاصی که عالماً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیر منقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند.

2 - اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده 467 التزام داده باشند.

ماده 552 - اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در ماده 549 را مرتکب شده اند به مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرر است محکوم می باشند.

ماده 553 - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاه دارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد.

ماده 554 - در موارد معینه در مواد قبل محکمه که رسیدگی می کند باید در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تریئه شده باشد حکم بدهد -

1 - راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیئت طلبکارها ، این حکم را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.

2 - راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است.

ماده 555 - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیث و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده 556 - هرگاه مدیر تصفیه اعم از این که طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی با شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا

قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد بنفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.

ماده 557 - کلیه قرارداتی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هرکس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است. طرف قرارداد

مجبور است که وجوه یا اموالی را که بموجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذیحق مسترد دارد.  
ماده 558 - هر حکم محکومیتی که بموجب این فصل یا به موجب فصول سابق صادر شود باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد.

#### فصل چهارم

در اداره کردن امول تاجر ورشکسته در صورت

ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب

ماده 559 - در تمام مواردی که کسی بواسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده 554 مذکور است از صلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود.  
ماده 560 - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه و رابه او بدهد.

باب سیزدهم

در اعاده اعتبار

ماده 561 - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقا اعاده اعتبار می نماید.

ماده 562 - طلبکارهانی که توانند از جهت تاخیری که در اداء طلب آنها شده است برای بیش از پنج سال مطالبات متفرعات و خسارات نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می شود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب شد.

ماده 563 - برای آنکه شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است و لاینکه نسبت به شخص او قرارداد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد.

ماده 564 - در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقود الاثر یا غایب بوده یا این که از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنها مدیون است به اطلاع مدعی العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همینکه تاجر معلوم کرد این وجوه را سپرده است برای الذمه محسوب است.

ماده 565 - تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می تواند اعتبار خود را اعاده نماید -

1 - تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد بعهده گرفته است پرداخته باشد ، این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می شود.

2 - تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایین داده اند.

ماده 566 - عرض حال اعاده اعتبار یا بده انضمام اسناد مثبت آن به مدعی العموم حوزه ابتدائی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است.

ماده 567 - سواداین عرضحال در مدت یکماه در اطاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در اداره مدعی العموم بدایت الصاق و اعلان می شود بعلوه دفتر دار محکمه باید عرضحال مزبور را به کلیه طلبکارهائی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را بر طبق مواد 561 و 562 کامل دریافت نکرده اند به وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد. ماده 568 - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد 561 و 562 طلب خود را کامل دریافت نکرده می تواند در مدت یکماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرضحال اعاده اعتبار اعتراض کند.

ماده 569 - اعتراض به وسیله اظهارنامه که به ضمیمه اسناد مثبت به دفتر محکمه بدایت داده می شود بعمل می آید. طلبکار معترض می تواند بموجب عرضحال در حین رسیدگی به دعوی اعاده اعتبار بطور شخص ثالث ورود کند.

ماده 570 - پس از انقضای موعده نتیجه تحقیقاتی که به توسط مدعی العموم بعمل آمده است به انضمام عرایض اعتراض به رئیس محکمه داده می شود رئیس مزبور در صورت لزوم مدعی و معترضین را به جلسه خصوصی محکمه احضار می کند.

ماده 571 - در مورد ماده 561 محکمه فقط صحت مدارک راسنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می دهد و در مورد ماده 565 محکمه اوضاع و احوال راسنجیده بطوری که مقتضی عدل و انصاف بدان حکم می دهد و در هر صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.

ماده 572 - مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکارهائی معترض می توانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند ، محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده 571 حکم صادر می کند. ماده 573 - اگر عرضحال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه.

ماده 754 - اگر عرضحال قبول شود حکمی که صادر می گردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای اینکار مقرر است ثبت خواهد شد اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه که حکم می دهد نباشد در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دائره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمزیه حکم مزبور اشاره می شود.

ماده 575 - ورشکسته به تقلب و هم چنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده اند مادامی که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده اند نمی توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار کنند.

باب چهاردهم

اسم تجارتي

ماده 576 - ثبت اسم تجارتي اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند.



ماده 577 - صاحب تجارت خانه که شریک در تجارتخانه ندارد نمی تواند اسمی برای تجارتخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.  
ماده 578 - اسم تجارتي ثبت شده راهیچ شخص دیگری در همان محل نمی تواند اسم تجارتي خود قرار دهد و لو اینکه اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.  
ماده 579 - اسم تجارتي قابل انتقال است.  
ماده 580 - مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنج سال است.  
ماده 581 - در مواردی که ثبت اسم تجارتي الزامی شده و در موعد مقرر ثبت بعمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت ماخوذ خواهد داشت.  
ماده 582 - وزارت عدلیه بموجب نظامنامه ترتیب اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوط به اسم تجارتي رامعین خواهد کرد.

باب پانزدهم - شخصیت حقوقی

فصل اول اشخاص حقوقی

ماده 583 - کلیه شرکتهای تجارتي مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

ماده 584 - تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیر تجارتي تاسیس یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدامی کنند.

ماده 585 - شرایط ثبت موسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق الثبت موسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه ازینچ ریال طلا تا پنج پهلوی و بعلاوه مشمول ماده 135 قانون ثبت اسناد املاک است.

ماده 586 - موسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی توان ثبت کرد.

ماده 587 - موسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می شوند.

فصل دوم

حقوق ووظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی

ماده 588 - شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق ووظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق ووظایف ابوت نبوت و امثال ذلك.

ماده 589 - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می شود.

ماده 590 - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده 591 - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن

مملکت است.

باب شانزدهم

مقررات نهائی

ماده 592 - در مورد معاملات که سابقاً تجاریاً شرکتها و موسسات تجاری به اعتبار بیش از یک امضاء کرده اند خواه بعضی از امضاء کنندگان بعنوان ضامن امضاء کرده باشند خواه بعنوان دیگر طلبکار می تواند به امضاء کنندگان مجتمعاً یا منفرداً رجوع نمایند.

ماده 593 - در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکار حق رجوع به آنها دارد قاطعاً مرور زمان نسبت به دیگران نیز هست.

ماده 594 - به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به کلیه شرکتهای ایرانی موجود که به امور تجاری اشتغال دارند تا اول تیرماه 1311 مهلت داده می شود که خود را با مقررات یکی از شرکت های مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند و الا نسبت به شرکت های متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتهای مصوب خردادماه 1310 رفتار خواهد شد.

ماده 595 - هرگاه مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است تا شش ماه دیگر از طرف محکمه صلاحیتدار مهلت کافی اضافی داده شود مشروط بر این که در موقع تقاضای تمدید نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود.

ماده 596 - تاریخ اجرای ماده 15 این قانون در آن قسمتی که مربوط به جزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده 201 و تبصره آن و قسمت اخیر ماده 220 اول فروردین 1312 خواهد بود.

ماده 597 - شرکتهای مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیئت نظاری مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند و الا هر صاحب سهمی حق دارداً انحلال شرکت را تقاضا کند.

ماده 598 - طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده اند مشمول مقررات ماده 473 نبوده و از حقی که بموجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد.

ماده 599 - نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگی های سابق قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه نکرده اند مدیر تصفیه هر ورشکسته اعلانی منتشر کرده و یکماه به آنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده 462 این قانون رفتار کنند و الا مشمول مقررات ماده 473 خواهند شد.

ماده 600 - قوانین ذیل قانون تجارت مصوبه بیست و پنجم دلو 1303 دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد 1304 قانون اصلاح ماده 206 قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تادیه مصوب دوم تیرماه 1307 قانون اجازه عدم رعایت ماده 270 قسمتی از ماده 44 قانون تجارت نسبت به تشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب 30 تیرماه 1307 از تاریخ مزبور به موقع اجرا گذاشته می شود

قانون

قانون نوع:

1311/02/13

تصويب تاريخ:

وزارت دادگستري

اجرايي دستگاہ:

Copyright © 2003